

۲
مجلسخطیب در تیروس پایداری
زمزمه‌های استیضاح وزیر اطلاعات۳
افقنزاع بر سر زنگزور
تصمیم علی‌اف برای بازگشایی کریدور زنگزور۷
کوچهسه روز پرا التهاب
شهادت یک خانواده در شهر خمین۶
توسعه

چشم‌انداز مبهم تولید

آینده بنگاه‌های تولیدی پس از جنگ ۱۲ روزه چیست
و چه بر سر آن‌ها می‌آید؟

یادداشت روز

در ستایش ترمیم روان جمعی

از جنگ ۱۲ روزه چگونه عبور کنیم

الهام فخاری

روانشناس



جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، که در خردادماه و تیرماه امسال تجربه شد، حادثه‌ای کوتاه اما سهمگین بود. برای بسیاری، صدای ممتد پدافند، سکوت‌های سنگین خانه‌ها، اخبار شبانه از انفجارهای موشکی و جدایی اجباری از عزیزان، چیزی فراتر از یک بحران گذرا بود؛ این رویداد در حافظه روانی جمعی ما حک شد. جامعه‌ای که پس از سال‌ها فشار اقتصادی، نااطمینانی سیاسی و آسیب‌های زیست‌محیطی هنوز فرصت ترمیم نداشت این بار با زخمی به شدت روانی روبه‌رو شد؛ ترومای جمعی.

نشانه‌های این زخم عمیق از همان روزهای نخست خود را نشان داد: اضطراب فراگیر، اختلال در خواب، حملات عصبی، فروپاشی احساس امنیت و برای بسیاری، شروع دوباره حمله‌های وحشت. خانواده‌هایی که در این مدت عزیزانشان را از دست دادند، کودکانی که جدا از والدین‌شان شب‌ها را در مدارس یا هتل‌ها گذراندند، سالمندانی که ساعت‌ها در تهایی به صدای پدافند گوش سپردند، همه و همه اکنون بخشی از یک جامعه نیازمند مراقبت‌اند. از منظر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، این جنگ تنها یک بحران نظامی نبود بلکه نظم اجتماعی را نیز مختل کرد. همبستگی‌های اجتماعی، پیوندهای عاطفی، اعتماد عمومی و نظام حمایت اجتماعی همه آسیب دیدند. ما در معرض «واگیری اضطراب» قرار گرفتیم؛ ترسی که چون موج از فرد به فرد، از خانواده به محله، از شهر به کشور سرایت و عملکرد طبیعی جامعه را مختل کرد.

در این شرایط، مفهوم «حمایت اجتماعی» اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. حمایت اجتماعی فقط حضور یک روان‌پزشک نیست بلکه شبکه‌ای از اطمینان، همراهی، اطلاعات و همبستگی است. ما باید در بحران‌ها بدانیم که چه کسی کنارمان می‌ماند. پرسش این نیست که چند دوست در فهرست تماس‌هایمان داریم؛ پرسش این است که در بحران، روی چند نفر می‌توانیم حساب کنیم؟

در طول این جنگ، نمونه‌هایی الهام‌بخش از همدلی و همیاری را دیدیم: مردمی که داوطلبانه با سالمندان تماس گرفتند، گروه‌هایی که اقلام ضروری را در محله‌ها توزیع کردند، پزشکانی که شبانه‌روز در اورژانس‌های روان‌پزشکی حضور داشتند و مددکارانی که در هتل‌های محل اسکان اضطرابی به آرام‌سازی روانی خانواده‌ها پرداختند. اما اینها کافی نیست.

ما اکنون در مرحله بازبایی پس از بحران قرار داریم؛ مرحله‌ای که به مراتب دشوارتر از «تاب آوردن در لحظه بحران» است. زخم‌های روانی، برخلاف دیوارهای تخریب‌شده، دیده نمی‌شوند اما سال‌ها درون ما می‌مانند. به همین دلیل است که امروز بیش از هر زمان دیگری به نهادینه‌سازی برنامه‌های حمایت روانی- اجتماعی نیاز داریم. از مدرسه و خانواده گرفته تا رسانه و دولت همه باید بخشی از این فرآیند ترمیم باشند.

وظیفه رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های رسمی، در این روزها سنگین‌تر است: پرهیز از دوگانه‌سازی‌های مخرب، پرهیز از تقابل‌های بی‌ثمر و تقویت حس وحدت ملی.

تقابل‌های کاذب، جامعه را شکننده‌تر می‌کنند. تجربه زلزله بم و فسادان بازبایی روانی بلندمدت آن به ما آموخته که اگر اکنون اقدام نکنیم، ممکن است دهه‌ها بعد هم در سوگ این ۱۲ روز باشیم.

جامعه ما از این بحران نیز خواهد گذشت، اگر فرصت بازسازی روانی را از خود دریغ نکند. ما نیازمند سیاست‌های توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر، آموزش مهارت‌های زندگی در مدارس، برنامه‌های مداخله سریع روانی در مراکز محلی و مشارکت فعال نهادهای مدنی هستیم. ترمیم روان جمعی فقط وظیفه دولت نیست؛ مسئولیتی ملی است. ما باید خود را بازبایی کنیم تا کشورمان بتواند با قامتی بلندتر از گذشته به آینده نگاه کند.

دور تند دیپلماتی

علی لاریجانی به دیدار ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه رفت

اگرچه از محتوای این جلسه، خبری مخابره نشد

اما تلاش‌های دیپلماتیک برای دور کردن سایه جنگ از ایران افزایش یافته است

خبرها حاکی است؛ دیپلمات‌های ایران و سه کشور اروپایی نیز هفته آینده دیدار خواهند کرد

فرشاد گلزاری

گروه بین‌الملل



دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین (عصر یک‌شنبه) اعلام کرد که علی لاریجانی، مشاور رهبری با ولادیمیر

پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه در کاخ کرملین دیدار کرده و در طول این ملاقات، نماینده ایران ارزیابی خود را از اوضاع در خاورمیانه و پیرامون برنامه هسته‌ای ایران ارائه داد. پسکوف در این خصوص اعلام کرد که طرف روس مواضع شناخته شده‌ای را با هدف تثبیت اوضاع در منطقه

و حل‌وفصل سیاسی مسائل مربوط به برنامه هسته‌ای ایران ابراز کرد. او همچنین گفت که در دیدار پوتین و لاریجانی، طرف روس مواضع خود را در مورد تنظیم سیاسی مسائل مربوط به برنامه هسته‌ای ایران بیان کرد. این دیدار در حالی انجام می‌شود که ایران در بحث دیپلماتی

دو و چند جانبه در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سرعت عمل بیشتری را به کار بسته است. در این خصوص می‌توان ضریب دادن به گفت‌وگوها با مصر در جهت رفع موانع و بهبود روابط دو جانبه اشاره کرد که اینجا دو اتفاق رخ داده است. | ادامه در صفحه ۳



دولت

عارف: آرامش اقتصادی اولویت دولت است

نشست مشترک قوای مجریه و قضائیه
برای بررسی تبعات جنگ ۱۲ روزه

در جلسه مشترک روز گذشته میان معاونان اول قوای مجریه و قضائیه با حضور تعدادی از وزرا، شهردار تهران، رئیس بنیاد شهید، رئیس سازمان بازرسی و دیگر مسئولان، مسائل پس از جنگ ۱۲ روزه و راهکارهای تثبیت اقتصادی کشور بررسی شد. عارف، معاون اول رئیس‌جمهور با اشاره به جنگ اقتصادی دشمنان و لزوم حفظ آمادگی در برابر توطئه‌ها گفت: «از همان ساعات اولیه پس از آتش‌بس، بازسازی و برنامه‌ریزی برای حفظ آرامش کشور آغاز شد». او تأکید کرد راهبردر کلان نظام، حفظ و تقویت آرامش در جامعه است اما در برابر هرگونه تهدید و شیطنت رژیم صهیونیستی، آماده برخورد سخت هستیم. وی افزود: «در جنگ ۱۲ روزه، عملکرد موفق کشور و انسجام ملی بار دیگر ثابت کرد، ایران مرد بحران‌هاست».

عارف از آسیب‌شناسی اقدامات دستگاه‌ها در این جنگ سخن گفت و اظهار کرد که جلسات متعددی با دستگاه‌های مختلف برگزار شده تا گزارشی از عملکردها و نواقص احتمالی تهیه شود. او همچنین از همکاری معاون اول قوه قضائیه در حمایت از اجرای مصوبات ستاد تنظیم بازار و مقابله با سودجویان قدردانی کرد. وی با انتقاد از برخی بهانه‌تراشی‌ها در اجرای مصوبات اقتصادی گفت: «بازگشت قیمت‌ها به پیش از جنگ، نیازمند حمایت قضایی است».

دیدگاه: یادداشت وارده

قدر آرامش جامعه را بدانیم

نقدی بر ساده‌سازی تبعات جنگ اخیر



روزنامه‌نگار

در درس ریاضی مبحثی داشتیم به نام ساده کردن که اعداد بزرگ را تبدیل به اعداد کوچک‌تر می‌کردیم تا جایی که دیگر نتوان ساده‌شان کرد. این همان پیچاندن و ساده کردن مسائل پس از جنگ است که مردم و ملت از آن ناآگاه هستند. اینکه مردم آمار دقیقی ازخیرای‌ها و شهدا و زخمی‌ها و تخریب‌ها و بسیاری دیگر از پاره‌ت‌های یک جنگ ۱۲ روزه‌ای که هیچ شباهتی با جنگ تحمیلی ۸ ساله نداشت و تبعات روانی ماث‌ر از این نبرد نابرابر را نیز باید به آن افزون کرد نه اینکه نامش آرامش نیست بلکه واماندگی ملت برای فردایی است که قرار است، چه شود. ظاهراً همه چیز دارد بازگشت می‌کند به تنظیمات کارخانه، اینکه چند نفر را از گروه متضاد با حاکمیت بلامنازع بر صداوسیمایا بیآوریم تا اظهارنظر کنند، نامش همبستگی ملی نیست بلکه یک بازی کاملاً سیاسی است که پس از مدتی خاموش می‌شود سپس آتش همان آتش و کاسه همان کاسه می‌شود. اتحاد و همبستگی ملی و تکرر در نله‌های فکری حاضر در جامعه که به حاشیه رانده شده‌اند و اظهارنظر مستمر آنان یکی از راه‌های جلوگیری از گسست ملی است، اگر هنوز پس از یک ماه که از این جنگ و تحمیل ۱۲ روزه‌اش و تبعات آن چشم و گوش باز نکرده‌ایم پلاشک با‌زهم نخواهیم شنید ونخواهیم دید و جامعه را به سمت وسوی یک دوقطبی وحشتناک سوق خواهیم داد. اینکه علیه دولت دهان به فحاشی و ته‌مت زدن بگشاییم و لقلقه زبان برخی استیضاح دولت و عدم کفایت سیاسی آن شود و دائم یقه ندانسته منطق را بدرانیم نه نامش وفاق است و نه همبستگی، این نفاق و گسست و انشقاق اجتماعی است.

ایسن مردم هنوز عرق دفاع از یکدیگر و کشورشان بر روح و روانشان خشک نشده که چنین بر آنان سخت می‌گیریم و آبی را از آنان طلب می‌کنیم که خودمان فکر می‌کنیم، درست است.

اگر متوجه تغییرات فکری و عملکردی ملت نشده باشیم بیش‌ک از بازندگان بزرگی خواهیم بود که دیگر امکان جبرانی باقی نمی‌گذارد. گفتیم که مردم کم نگذاشتند و پای کشورشان ایستادند و نقشه آمریکا، صهیونیست‌ها، منافقین و بهلولی‌چی‌ها را چون حیایی ترکانندند و بهایش را هم دادند، مدیران صد‌رنشین و مسئولین قرار است برای آنان چه بکنند و چه تاج گلی بر سرشان بگذارند.

برخی هنوز متوجه نشده‌اند که دیگر شعار و رجز، کمترین اثری ندارد، باید در عمل همه چیز رنگ واقعی به خود بگیرد و زندگی را برای ملت نه اینکه چون عسل مصفا شیرین کنند بلکه تلخی گذشته را از آنان بزدایند!...

خطیب در تیررس پایداری

نخستین زمزمه‌های استیضاح وزیر اطلاعات پس از جنگ ۱۲ روزه

گروه سیاسی: در روز بیست‌وچهارم تیرماه، اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات به همراه معاونان ارشد خود، در جلسه‌ای غیرعلنی در پارلمان حاضر شد. جلسه‌ای که به ظاهر برای ارائه گزارشی درباره وقایع امنیتی مرتبط با جنگ ۱۲ روزه بود اما به سرعت رنگ و پوی انتقاد آتد، پرسش‌گری علنی و در نهایت، کلید خوردن طرح استیضاح وزیر اطلاعات به خود گرفت. اکنون و با گذشت چند روز از آن جلسه، افکار عمومی و ناظران سیاسی کشور با پرسشی اساسی مواجه شده‌اند: آیا خطیب به عنوان نخستین وزیر اطلاعات، راهی مسیر استیضاح خواهد شد؟

حضور وزیر اطلاعات در جلسه غیرعلنی تیرماه با هدف ارائه گزارش عملکرد دستگاه اطلاعاتی کشور در جریان جنگ اخیر صورت گرفت. جنگی که با عنوان «جنگ ۱۲ روزه» شناخته شده و تبعات امنیتی، رسانه‌ای و سیاسی مهمی به‌دنبال داشته است. به گفته عباس گودرزی، سخنگوی هیات‌رئیس مجلس، در این جلسه وزیر اطلاعات گزارشی از اقدامات وزارت متبوعش پیش، حین و بعد از جنگ ارائه کرد. تمرکز اصلی گزارش بر مقابله با جواسیس، نفوذ گروهک‌های ضدانقلاب و ارائه مختصات دشمن به

نیروهای مسلح کشور بود. با این حال فضای جلسه بسیار متفاوت از یک نشست هماهنگ و مدیریتی توصیف شده است. نمایندگان چون علی حسن اخلاقی از مشهد و محمدتقی نقدعلی از خمینی‌شهر، روایت‌هایی حاکی از نارضایتی شدید نمایندگان و عدم اقع از پاسخ‌های ارائه شده را بیان کردند. اخلاقی روز گذشته صراحتاً اعلام کرد که گزارش قرائت شده توسط وزیر فاقد نکات مهم و کلیدی بوده و پاسخ‌های ارائه شده از سوی وزیر و معاونانش برای بسیاری از نمایندگان قانع‌کننده نبوده است. در همین راستا فرم درخواست استیضاح وزیر اطلاعات را امضا کرده و از پیگیری بازخواست رسمی از وزیر کشور نیز خبر داد، هرچند به گفته او این سوال به صحن علنی مجلس ارجاع نشده است.

روایت‌های متضاد، واکنش‌های اجتماعی

بنابر گزارش سایت «ایران ۲۴» نزدیک به برخی چهره‌های اصولگرا، طرح استیضاح وزیر اطلاعات توسط محمدتقی نقدعلی در همان روز ۲۴ تیر کلید خورده و تاکنون ۱۳ امضا نیز جمع‌آوری شده است. هرچند این رقم در مقیاس مجلس، عددی بحرانی محسوب نمی‌شود اما گواهی است بر آغاز یک روند جدی. همچنین کارمن غضنفری، نماینده تهران، روز ۲۸ تیر در پاسخ به سوال خبرنگاران درباره این موضوع با لحنی دیپلماتیک اعلام کرد که «برخی از نمایندگان در حال پیگیری موضوع هستند و باید دید ماجرا به کجا ختم می‌شود». هرچند این پاسخ خنثی به نظر می‌رسد اما نشانه‌ای از آن است که فشارها بر وزارت اطلاعات تنها به یک گروه کوچک از نمایندگان محدود نیست.

در میانه فضای پرتش مجلس، مجتبی زارعی، دیگر نماینده تهران، روایت کاملاً متفاوتی از همان جلسه غیرعلنی در شبکه اجتماعی «ایکس» (توییتر سابق) منتشر کرد. زارعی در توثیت

خود ادعا کرد که جمهوری اسلامی اکنون به اسناد غنیمتی چند میلیون برگی از مراکز راهبردی رژیم صهیونیستی دست یافته و تمام مختصات و گراهای مهم دشمن به نیروهای مسلح تحویل داده شده است. «وزیر اطلاعات و معاونین تخصصی وزارت امروز به جلسه غیرعلنی مجلس فراخوان شدند؛ خبر خوب اینکه تمامی مکان‌های اداری، راهبردی و محرمانه رژیم صهیونیستی در همه نقاط سرزمین‌های اشغالی از طریق اسناد غنیمتی چند



میلیون برگی از رژیم در اختیار جمهوری اسلامی است؛ ایران پهناور یک میلیون و ۶۴۸ کیلومتر مربعی کجا و فقر و محدودیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی رژیم کجا؟! آقای تنائیا‌هو و آقای کاتس! دست از کنده‌گویی‌ها بردارید! وزیر و معاونش گفتند، تمامی گراها و مختصات اماکن رژیم تحویل نیروهای مسلح شده است! دلیل؟ ساختمان‌های ویژه منهدم شده!!

این روایت با واکنش‌های منفی و گسترده‌ای در فضای مجازی مواجه شد.

آیا مجلس در آستانه عبور از یک تابو است؟

از ابتدای تأسیس وزارت اطلاعات در دهه ۱۳۶۰ این نهاد همواره یکی از ارکان راهبردی نظام جمهوری اسلامی تلقی شده است. نهادی که به ندرت در معرض انتقاد علنی یا بازخواست جدی قرار گرفته است. تاکنون وزرای اطلاعات، بارها برای ارائه توضیحات در کمیسیون امنیت ملی یا جلسات غیرعلنی مجلس حاضر شده‌اند اما هیچ‌گاه کار به استیضاح نرسیده است.

علت ایسن امر را می‌توان در ماهیت امنیتی و اطلاعاتی وزارت اطلاعات جست‌وجو کرد. جایی که غالباً نمایندگان مجلس ترجیح داده‌اند از طریق تعاملات پشت‌پرده، خواسته‌های خود را پیگیری کنند. اما ظاهراً جنگ ۱۲ روزه و پیامدهای آن، یک نقطه عطف جدید در این رویه تاریخی ایجاد کرده است. طرح رسمی استیضاح، حتی با تعداد امضای پایین، خود یک اتفاق تاریخی محسوب می‌شود.

در گزارش ارائه شده توسط وزیر اطلاعات به مجلس به تشخیص «آسیب‌ها، اشکالات و ایرادات ساختاری» و نیز برنامه‌های اصلاحی برای خروج از وضعیت موجود اشاره شده است. تشکیل کارگروه‌های چهارگانه برای تسهیل خدمت‌رسانی

به مردم نیز از دیگر محورهای این گزارش بوده است. با این حال بسیاری از نمایندگان مجلس، آن را فاقد راهکارهای اجرایی موثر دانسته و خواهان پاسخ‌گویی جدی‌تر درباره ضعف‌های اطلاعاتی، اختلال در هماهنگی نهادهای امنیتی و خلأهای مدیریتی شدند. به گزارش خبرآنلاین نمایندگان منتقد، تأکید کرده‌اند که جنگ ۱۲ روزه، تنها یک درگیری محدود نبود بلکه عملیات پیچیده‌ای بود که نشانه‌هایی از برنامه‌ریزی بلندمدت دشمن را در خود داشت. اینکه وزارت اطلاعات توانسته

پیش‌دستی کند یا حملات را به موقع پیش‌بینی نماید، یکی از محورهای اصلی این انتقادهاست.

فراموش نکنیم که اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات دولت سیزدهم، یک سال پیش اگرچه در روزهایی که مسعود پزشکیان در حال بررسی و نهایی کردن لیست کابینه پیشنهادی خود برای بردن به بهارستان بود و نام‌هایی چون احمد شفیعی، مصطفی پورمحمدی، محمود علوی و حتی محسن اسماعیلی برای حضور در رأس وزارت اطلاعات به گوش می‌رسید در نهایت قرعه برای تصدی بر این وزارتخانه کلیدی بار دیگر به نام او افتاد.

رای آوردن خطیب در شهریور ۱۴۰۰ هم سهل و راحت نبود، او در همان زمان با مخالفت‌های تند و تیز پایداری‌ها روبه‌رو شده بود و مخالفان او ادعاهای عجیبی را درباره او مطرح کرده بودند. چنانچه حسین جلالی، نماینده وقت رفسنجان درباره اسماعیل خطیب مدعی شده بود: «حوزه علمیه قم کانون انقلاب و قیام امام (ره) است، انقلاب از قم آغاز شد. علت حدوث انقلاب قم بود، دشمن از سال ۷۰ به فرمایش مقام معظم رهبری آنتی‌تز انقلاب را از قم کلید زد. باید علت حدوث انقلاب، علت بقا هم باشد نباید آنتی‌تز انقلاب در قم شروع شود که حضرت آقا بفرمایند، تز انقلاب قم بود و حوزویان مراقب باشد، آنتی‌تز از آنجا شروع نشود. آقا فرمودند، حوزه باید انقلابی بماند. آقای خطیب از سال ۷۰ مدیرکل اطلاعات قم شدند و همزمان این توطئه‌ها توسط دشمن آغاز شد، هم حوزه غیرانقلابی و هم آنتی‌تز انقلاب. انتظار حوزه از آقای خطیب پیش‌بینی، پیشگیری و شناسایی بود». همچنین حسین میرزایی نماینده اصفهان و غلامحسین رضوانی نماینده تهران از دیگر مخالفان او در آن سال بودند.

صرف‌نظر از اینکه طرح استیضاح وزیر اطلاعات به سرانجام برسد یا نه، روشن است که وقایع اخیر، به‌ویژه جنگ ۱۲ روزه، نقطه عطفی در رابطه مجلس و وزارت اطلاعات به وجود آورده است. سکوت و هماهنگی گذشته، جای خود را به انتقاد علنی داده است. اگرچه در فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی، نهادهای اطلاعاتی همواره در سایه‌ای از حمایت عمل کرده‌اند اما اکنون نشانه‌هایی از تغییر در این معادله دیده می‌شود. آینده سیاسی وزیر اطلاعات در گروی آن است که در روزها و هفته‌های پیش‌رو تا چه اندازه بتواند افکار عمومی و بدنه نمایندگی را قانع کند. در غیر این صورت، خطیب ممکن است اولین وزیر اطلاعاتی باشد که پایش به صحن علنی برای استیضاح باز می‌شود.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۰۰۳۳۷۶/۱۰۰۳۰۹۰۳۰۹۶۰۱۴۰۴۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۴ کلاسه ۱۰۰۰۰۶۰/۱۰۰۰۰۹۰۰۱۴۴۱۱۴۰۴۱ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای جمال بخشی به شناسنامه شماره ۴۳۲۱۴۸۹۵۵۵ کدملی ۴۳۲۱۴۸۹۵۵۵ صادره قزوین فرزند اسفندیار در چهار و نیم دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۷۹۳/۸۱ مترمربع پلاک شماره ۴۱-اصلی واقع در اراضی روستای رزرجرد قزوین بخش ۱۴ (لازم به ذکر است مقدار ۱/۵ دانگ مشاع از شش‌دانگ پلاک موقوفه است) حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۵

رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک قزوین – شعبان عسگری

شناسه آگهی: ۱۹۶۹۱۱

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۳۱ و قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر رای ۱۱۰۹۹/۱۱۰۱۳۰۳۱۰۰۱۴۰۴۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۶ هیات قانون تعیین تکلیف...موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی ...چمستان...تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای / خانم مریم صفری فرزند ذبیح اله نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با کاربری باغی به مساحت ۱۸۲/۴۷ مترمربع که مقدار ۴۰ سیر مشاع عرصه وقف می باشد به شماره پلاک ۲۷۸ فرعی از ۱۵ اصلی واقع در قریه کچلده بخش ۱ واگذاری شده از آقای و خانم ذبیح اله صفری محرز گردیده است. لذا به موجب ماده ۳- قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵روز از طریق این روزنامه و محلی / سراسری در شهرها منتشر ودر روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودر صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

شناسه آگهی: ۱۹۵۷۷۱۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰

عین اله تیموری
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان

نزاع بر سر زنگرور

الهام علی اف در حالی از بازگشایی بخش آذربایجانی کریدور زنگرور تا بهار سال آینده خبر داد که ارمنستان همچنان مخالف این پروژه است

گروه بین الملل: الهام علی اف، رئیس جمهور جمهوری آذربایجان در دیدار با شرکت کنندگان در سومین مجمع جهانی رسانه‌ای شوشا، اظهاراتی در مورد تکمیل بخش آذربایجانی کریدور زنگرور مطرح کرده که نشان از عزم این کشور برای بازگشایی این مسیر با وجود مخالفت ارمنستان و ایران دارد.

او در دفاع از تصمیم خود برای اجرایی کردن کریدور زنگرور که مدعی شد که وضعیت ژئوپلیتیکی در منطقه ما نیز در حال تغییر است و در عین حال سایر مسیرهای ترانزیتی نیز مفیدتر می‌شوند. با نگاهی به همه این پتانسیل‌ها، ما پتانسیل کریدور زنگرور را در مرحله اولیه ۱۵ میلیون تن بار تخمین می‌زنیم. به گزارش خبرگزاری آبا، علی اف همچنین اظهار کرد که این اتفاق در مرز ما با ارمنستان و ایران در حال رخ دادن است و در بهار سال آینده، ساخت بخش آذربایجانی این راه‌آهن به پایان خواهد رسید.

در مورد بخش مربوط به خاک ارمنستان باید بگویم که در زمان شوروی این راه‌آهن بخش جدایی ناپذیری از راه‌آهن آذربایجان بود و به ساختار راه‌آهن ارمنستان تعلق نداشت زیرا هیچ ارتباطی با شبکه راه‌آهن ارمنستان نداشت.

ادامه تیتربیک

بنابراین با افتتاح کریدور زنگرور در واقع ما یک مسیر دیگر از مسیر شمال - جنوب را باز خواهیم کرد. او با انتقاد از ایروان گفت که ارمنستان ۵ سال است هیچ اقدامی در مورد کریدور زنگرور انجام نداده است و از طرف ارمنستان این موضوع عمداً از دستور کار حذف می‌شود. معلوم می‌شود که شانس ارمنستان برای تبدیل شدن به یک کشور ترانزیتی به صفر می‌رسد. اگر آنها همچنان به مسدود کردن این روند ادامه دهند، فکر می‌کنم نه تنها از نظر حمل و نقل بلکه در یک انزوای سیاسی خواهند ماند. رئیس جمهوری آذربایجان همچنین گفت که وقتی صحبت از حمل و نقل ریلی و جاده‌ای می‌شود این موضوع نه تنها به اتصال بخش اصلی آذربایجان به جمهوری خودمختار نخجوان مربوط می‌شود بلکه از نظر حمل و نقل بین‌المللی نیز منطقی است و کریدور زنگرور بسیاری از کشورها را به هم متصل خواهد کرد. آذربایجان به طور فعال در حمل و نقل و لجستیک سرمایه‌گذاری زیادی می‌کند و در سال‌های اخیر، میلیاردها دلار در ایجاد بزرگترین بندر تجاری بین‌المللی در دریای خزر سرمایه‌گذاری شده و در حال حاضر اقدامات برای حمل و نقل ۲۵ میلیون تن بار در حال انجام است.

مخالفت پاشینیان با باکو

اظهارات جدید علی اف در مورد اتمام ساخت بخش آذربایجانی کریدور زنگرور و هرگونه بازگشایی آن در حالی مطرح شده که (هفته گذشته) نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان در نشست خبری خود ضمن تأیید پیشنهاد آمریکا مبنی بر مدیریت احتمالی کریدور حمل و نقلی میان بخش اصلی جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان که از طریق خاک ارمنستان عبور می‌کند به موضوع کریدور زنگرور هم اشاره کرد. پاشینیان صراحتاً اعلام کرد که هیچ مذاکره‌ای در این باره بدون در نظر گرفتن اصول تمامیت ارضی و حاکمیت ارمنستان نمی‌تواند، صورت گیرد و هر موضوعی تنها بر اساس اصول تمامیت ارضی، حاکمیت و صلاحیت قضایی جمهوری ارمنستان بررسی می‌شود. او همچنین



یادآور شد که ارمنستان تاکنون پیشنهادهای متعددی از کشورهای دوست دریافت کرده و همچنان نیز این روند ادامه دارد و مردم ارمنستان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به نحوی از این پیشنهادها مطلع می‌شوند.

پیش از این نیز نازلی باغداساریان، دبیر مطبوعاتی نخست‌وزیری ارمنستان اعلام کرده بود که ارمنستان در مورد احتمال واگذاری کنترل قلمرو خود که آذربایجان را به جمهوری خودمختار نخجوان متصل می‌کند به شخص ثالث بحث نمی‌کند. این مواضع به صورت مشخص واکنش ایروان به پیشنهاد توماس باراک، سفیر آمریکا در ترکیه محسوب می‌شود که میدل ایست‌آی در مورد آن اعلام کرده بود که واشنگتن پیشنهاد داده، کنترل گذرگاه ۳۲ کیلومتری زنگرور را به مدت ۱۰۰ سال به دست گیرد.

اروپا

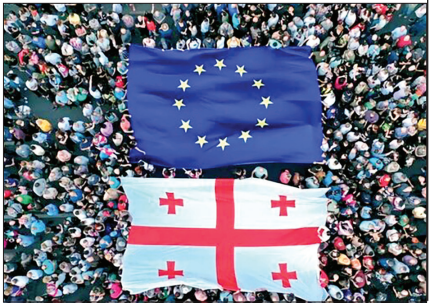
نه‌بروکسل به تفلیس

چرا اتحادیه اروپا پیوستن گرجستان به این بلوک سیاسی - اقتصادی را منتفی دانست؟

پارلمان اروپا در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر) نوشت، مسیر پیوستن گرجستان به اتحادیه اروپا تا زمانی که انتخاباتی عادلانه در این کشور برگزار نشود به حالت تعلیق درمی‌آید. در ادامه این پیام همچنین آمده است: «پارلمان اروپا از مردم گرجستان حمایت می‌کند. این نهاد دولت کنونی گرجستان را به رسمیت نمی‌شناسد».

این بیانیه از سوی پارلمان اروپا پس از آن منتشر شد که ۸ حزب اپوزیسیون گرجستان از شرکت در انتخابات شهرداری‌ها در اکتبر سال گذشته میلادی امتناع کردند. این احزاب معتقدند که مشارکت آنها تنها «ظاهری از مشروعیت برای مقامات» برای «روایی گرجستان» ایجاد می‌کند. حزب رویای گرجستانی به رهبری «ایراکلی کوباخیدزه» که در انتخابات پارلمانی ماه گذشته نزدیک به ۵۴ درصد آرا را به دست آورد، طرفدار روابط پایدار با اتحادیه اروپا و روسیه است. احزاب اپوزیسیون طرفدار غرب همچنین رئیس‌جمهور فرانسوی‌ال‌اصل گرجستان، «سالومه زورابیشویلی» از به رسمیت شناختن نتایج رای‌گیری خودداری کرده‌اند. دوره ماموریت زورابیشویلی در این ماه به پایان می‌رسد اما او تا زمان برگزاری مجدد انتخابات از ترک سمت خودداری می‌کند. کوباخیدزه سیاستمداران اتحادیه اروپا و عوامل آنها را مقصر تازترین دور از ناآرامی‌ها دانسته است. او غرب را به تلاش برای سازماندهی کودتا مانند انقلاب میدان که توسط ایالات متحده مهندسی شده بود، متهم کرد. تحولات مدنظر او، رئیس‌جمهور منتخب دموکراتیک اوکراین را در سال ۲۰۱۴ سرنگون کرد و حالا نزاع سیاسی میان او و احزاب در گرجستان ادامه دارد.

منبع: راشاتودی



دور تند دیپلماسی

نخست تغییر نام خیابان خالد اسلامبولی در منطقه ۶ تهران به شهید سیدحسن نصرالله و دوم انتصاب مجتبی فردوسی‌پور به عنوان رییس جدید دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران در قاهره است. او سفیر پیشین ایران در اردن و کارشناس ارشد مسائل خاورمیانه در چند سال اخیر مدیریت بخش غرب آسیا و شمال آفریقای مرکز مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه را به عهده داشته است. فردوسی‌پور اخیراً و قبل از عزیمت به مصر با سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران دیدار کرد و گزارشی را از وضعیت روابط دوجانبه تهران- قاهره و برنامه پیشنهادی برای تحکیم روابط در همه حوزه‌های مورد علاقه طرفین ارائه کرد.

از سوی دیگر سفر اخیر عراقچی به چین و گفت‌وگوی او با وانگ یی، همتای چینی خود همچنین مواضع پکن در قبال تهران را نیز باید نمونه دیگری از تعمیق روابط و کسب حمایت‌های سیاسی در شرایط مبهم خاورمیانه همچنین اقدامات مخرب اسرائیل دانست که در حاشیه نشست سازمان همکاری شانگهای صورت گرفت. قبل از آن هم عراقچی در بریکس حاضر شد و مواضع ایران در مورد وضعیت کنونی منطقه، سیاست‌های ایالات متحده و اقدامات اسرائیل را تشریح کرد سپس در عربستان سعودی با محمدبن سلمان، ولیعهد عربستان و وزیر دفاع این کشور در مورد شرایط کنونی خاورمیانه دیدار و گفت‌وگو کرد.

مذاکره با تروئیکا، به زودی

اگر نمودار مسیر تحرکات دیپلماتیک ایران در سطوح مختلف را مشاهده کنیم به خوبی می‌بینیم که نه تنها قبل از جنگ ۱۲ روزه بلکه حین به خصوص پس از آن، دستگاه دیپلماسی کشورمان و سایر سطوح عالی سیاسی در حال فعال کردن و استفاده بیشتر از اهرم دیپلماتیک و رایزنی هستند. به عنوان مثال سفر علی لاریجانی به مسکو و دیدار وی با پوتین نشان از ضرورت تبادل نظر تهران با متحدان خود دارد. حتی در سطح پارلمانی هم (یک‌شنبه) شاهد آن بودیم که هیاتی از کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با مقامات ارشد سیاسی و امنیتی عراق دیدار و گفت‌وگو داشتند.

در این راستا موضوع دیگری که بسیار مهم به نظر می‌رسد به جریان افتادن گفت‌وگوهای ایران با تروئیکای اروپایی (انگلیس، آلمان و فرانسه) است. در این خصوص (یک‌شنبه) تسنیم به نقل از یک منبع آگاه از توافق تهران با سه کشور اروپایی برای برگزاری مذاکرات با موضوع هسته‌ای ایران خبر داد و اعلام کرد که درباره اصل مذاکرات توافق شده است اما درباره زمان و مکان آن رایزنی‌ها ادامه دارد و اینکه مذاکرات آتی در کدام کشور باشد، نهایی نشده و این مذاکره قرار است در سطح معاونان وزرای امور خارجه ایران و سه کشور اروپایی برگزار شود.

ساعاتی بعد هم منابع خارجی این موضوع را به ارائه جزئیاتی دیگر پوشش دادند. خبرگزاری فرانسه به نقل از یک منبع دیپلماتیک آلمانی اعلام کرد که تروئیکای اروپا در حال برنامه‌ریزی برای برگزاری دور جدیدی از مذاکرات با ایران درباره برنامه هسته‌ای آن طی روزهای آتی هستند. این رسانه فرانسوی همچنین گزارش داد که تروئیکای اروپا با ایران در تماس هستند تا برای مذاکرات بیشتر در هفته آتی برنامه‌ریزی کنند.

این منبع دیپلماتیک آلمانی به خبرگزاری فرانسه گفته است که ایران هرگز نباید اجازه دستیابی به سلاح اتمی را داشته باشد و به همین دلیل است که آلمان، فرانسه و انگلیس برای رسیدن به یک راهکار دیپلماتیک بادوام و قابل راستی‌آزمایی برای برنامه هسته‌ای ایران به طور فشرده در چارچوب تروئیکای اروپا همکاری می‌کنند. او همچنین اعلام کرده که اگر طی تابستان به هیچ راهکاری دست پیدا نکنیم، سازوکار ماشه یکی از گزینه‌های تروئیکای اروپا خواهد بود.

همچنین اسسکای نیوز عربی در گزارش خود مدعی شده که گفت‌وگوهای ایران و اروپا یک‌شنبه آتی (۵ مرداد/ ۲۷ جولای) در ژنو برگزار می‌شود. پیش از این هم آکسیوس (جمعه) خبر داده بود که احتمالاً دیپلمات‌های ارشد تروئیکای اروپایی و ایران، هفته آینده و به‌منظور گفت‌وگو درباره یک توافق هسته‌ای احتمالی با یکدیگر دیدار کنند و محل احتمالی این دیدار را وین و یا ژنو اعلام کرد. آکسیوس در مورد ترکیب تیم مذاکره‌کننده ایران نوشته است که انتظار می‌رود، هیات ایرانی شامل کاظم غریب‌آبادی و مجید تخت‌روانچی معاونان وزیر خارجه ایران باشد.

این در حالی است که اخیراً سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه کشورمان به صورت ویدئوکنفرانس با همکاران خود (وزرای



خارجه انگلیس، آلمان و فرانسه) و کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در مورد پرونده هسته‌ای ایران و هرگونه مذاکره احتمالی گفت‌وگو کرد. او سپس در مورد این گفت‌وگوها اعلام کرد که اگر اتحادیه اروپا و سه کشور اروپایی می‌خواهند نقشی ایفا کنند باید مسئولانه رفتار کنند و از سیاست فرسوده تهدید و فشار از جمله تهدید به اجرای سازوکار «اسنپ بک» که فاقد هر گونه مبنای اخلاقی و حقوقی برای آن هستند، دست بردارند.

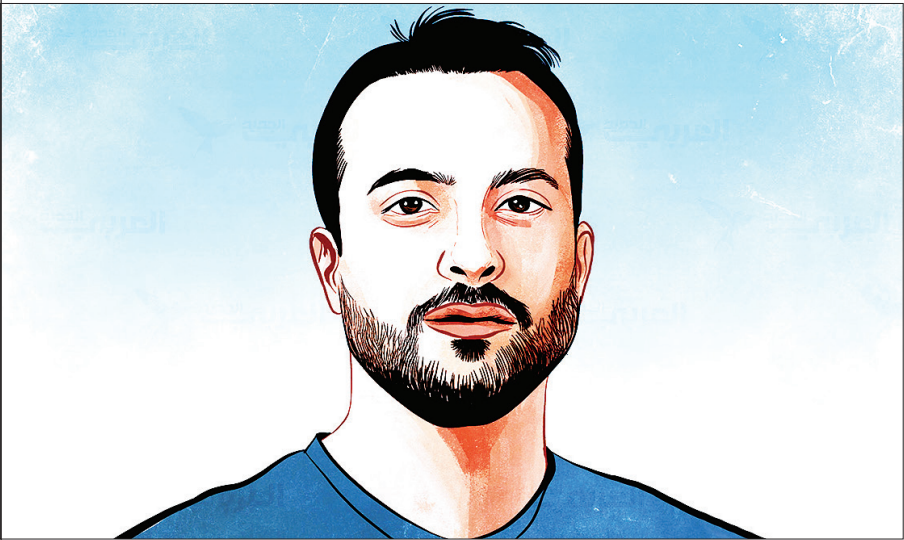
عراقچی همچنین گفت که این ایالات متحده بود که از توافقی که طی دو سال و با هماهنگی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۵ حاصل شده بود، خارج شد- نه ایران؛ و این آمریکا بود که در ژوئن امسال میز مذاکره را ترک کرد و به جای آن گزینه نظامی را برگزید- نه ایران. هر دور جدیدی از مذاکرات فقط زمانی ممکن خواهد بود که طرف مقابل برای یک توافق هسته‌ای عادلانه، متوازن و مبتنی بر منافع متقابل آمادگی داشته باشد.

عراقچی همچنین اخیراً در گفت‌وگو با سی.سی.تی.ان چین در مورد هرگونه مذاکرات آتی با ایالات متحده گفته بود که باید اراده واقعی طرف مقابل را ببینیم؛ اراده‌ای برای رسیدن به یک راه‌حل برد-برد. برنامه هسته‌ای ما صرفاً برای مقاصد صلح‌آمیز است و ما صددردن نسبت به این موضوع اطمینان داریم. ما هیچ مشکلی نداریم که این اطمینان را با دیگران نیز به اشتراک بگذاریم؛ اما این تنها از طریق مذاکره ممکن است. او در ادامه مصاحبه خود با تلویزیون دولتی چین گفت که این مساله نیازمند اراده‌ای جدی و واقعی از سوی طرف مقابل است؛ باید گزینه نظامی کنار گذاشته شود، رو به جلو حرکت کنیم و به دنبال یک راه‌حل از مسیر مذاکره باشیم.

وبترین: تازه‌های کتاب

پژواک تجربه یک ملت

باسم خندقجی **نقاب‌ی به رنگ آسمان** را در زندان نوشت و برنده بوکر عربی شد



کتاب «نقاب‌ی به رنگ آسمان» نوشتهٔ باسم خندقجی، نویسنده و شاعر فلسطینی است که سال ۲۰۲۴ جایزهٔ بین‌المللی ادبیات عربی (بوکر عربی) را به دست آورد. از این رمان چند ترجمه فارسی موجود است و انتشارات نیلوفر هم به‌تازگی آن را با ترجمهٔ محمدرضا مرعشی‌پور و پروانه صالحی فارسانی منتشر کرده است.

باسم خندقجی سال ۱۹۸۳ در نابلس، شمال کرانه باختری به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را همان‌جا به پایان رساند سپس برای تحصیل در رشتهٔ روزنامه‌نگاری و رسانه وارد دانشگاه ملی نجاح شد و طی آن برای نوشته‌هایش معروف شد اما سال ۲۰۰۴ (سال آخر دورهٔ کارشناسی) به اتهام شرکت در عملیات بازار کرمِل (عملیاتی که در آن ۳ صهیونیست کشته شد و ۵۰ نفر هم زخمی شدند) دستگیر و یک سال بعد به سه حبس ابد محکوم شد و هنوز هم در زندان هیداریم به‌سر می‌برد. این محکومیت در حالی بود که او در این عملیات نقشی نداشت. باسم خندقجی در زندان به تحصیلات دانشگاهی خود ادامه داد و مدرک لیسانس و فوق‌لیسانس خود را دریافت کرد و فعالیت ادبی‌اش را در زندان با گردآوری مقالاتش در دو کتاب ادامه داد. هم‌چنین دو مجموعه شعری و سه رمان منتشر کرد و سرانجام در سال ۲۰۲۳ رمان «نقاب‌ی به رنگ آسمان» که نخستین آینه از مجموعهٔ «آینه‌ها» است، توسط انتشارات دارالادب بیروت منتشر شد. باسم خندقجی این رمان را در زندان نوشته و با کمک وکلای خود آن را به دست ناشر رساند.

«نقاب‌ی به رنگ آسمان» داستان مردی به نام نور، باستان‌شناسی فلسطینی ساکن اردوگاه پناهندگان رام‌الله را روایت می‌کند؛ مردی که یک روز به‌طور اتفاقی در جیب یک کت قدیمی، کارت شناسایی آبی‌رنگ یک شهروند اسرائیلی به نام «اور» را می‌یابد، کشفی کوچک که دروازای بزرگ به سفری درونی و بیرونی باز می‌کند. نور با این کارت، نقابی بر چهره می‌زند و وارد دنیایی می‌شود که پیش از آن، از بیرون به آن می‌نگریست؛ او با هویت جدید به گروهی از باستان‌شناسان اسرائیلی می‌پیوندد و در دل حفاری‌های سرزمین اشغال‌شده، نه‌فقط لایه‌های تاریخ مدفون فلسطین بلکه رازهای مدفون در دل خودش را نیز می‌کاود. در این سفر، مرز میان «خود» و «دیگری» کمرنگ می‌شود؛ نور، در تقلای فهم اور به بازاندیشی در هویت، حافظه، عشق، تنهایی و تعلق می‌رسد. خندقجی در «نقاب‌ی به رنگ آسمان» با استعارهٔ نقاب، بازی ظریف و جسورانه‌ای میان روایت‌های فلسطینی و اسرائیلی خلق می‌کند. روایتش شاعرانه، اندیشمندانه و پر از لایه‌های فلسفی است؛ روایتی که نه صرفاً داستان یک فرد که پژواکی از تجربهٔ زیستهٔ یک ملت است. این رمان، بیانیه‌ای خاموش اما قدرتمند است: صدایی از دل دیوارهای زندان، که فراتر از مرزها، از جست‌وجوی حقیقت، انسانیت و معنا در جهانی پر از تضاد و گسست سخن می‌گوید. «نقاب‌ی به رنگ آسمان» خواننده را به سفری می‌برد که در آن تاریخ، سیاست، شعر و فلسفه به هم می‌آمیزند؛ سفری که در هر گامش، پرسشی تازه درباره هویت، دیگری و سرزمینی که زیر لایه‌های خاک و روایت‌ها دفن شده، سر برمی‌آورد.

باسم خندقجی در «نقاب‌ی به رنگ آسمان» شیوهٔ روایتی ویژه‌ای را به کار گرفته و به موضوعات پیچیده‌ای مثل آگاهی از خویشن، آگاهی از دیگری و آگاهی از جهان می‌پردازد؛ نیز از تخیل، واقعیت دردناک، تکه‌تکه شدن خانواده، آوارگی،

کافه

تازه‌های ادب و هنر

موزه معاصر در تسخیر زنان

بازخوانی نقش زنان در تاریخ هنر معاصر ایران در **نمایشگاه به گزارش زنان**

که چیده بودیم، آثاری را از بین آن‌ها انتخاب کردیم. برخی از آثار نیز به علت مشکلات فنی یا نیاز به مرمت، به نمایش درنیامدند. اگر به هنر معاصر ایران نگاه کنیم، یکی از شاخصه‌های آن زنان هستند. حال اگر آثار موزه‌های تاریخی ایران را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم کمتر از زنان نام برده شده است؛ حتی در موزهٔ فرش، که عمدتاً کار زنان است، از زنان خیلی کمتر نام برده شده است. اما در دورهٔ معاصر، زنان حضور خیلی پررنگی در هنر داشته‌اند و حتی در عرصهٔ بین‌المللی و حراج‌های ایران، آثار زنان زیادی حضور دارد؛ به همین دلیل نمی‌توان حضور آن‌ها را کتمان کرد و در این رویداد، آثار زنان را انتخاب کردیم.» دبیری‌نژاد با اعلام این‌که توکا ملکی، رئیس افتخاری این نمایشگاه خواهد بود، در توضیح این امر گفت: «از آنجایی که هیچ‌گاه در موزه، مدیر زن نداشته‌ایم و حالا که نمایشگاه را با محوریت زنان برگزار می‌کنیم، در روز افتتاحیه یک رئیس افتخاری خواهیم داشت که خانم ملکی این مسسولیت را قبول کرده‌اند.» او هم‌چنین با بیان اینکه در این نمایشگاه با گالری‌ها و خانهٔ هنرمندان همکاری می‌شود، گفت: «چون تعداد آثار گنجینهٔ موزه تمام هنرمندان معاصر را در بر نمی‌گیرد، برای این‌که فرصت روایت و تحلیل بیشتری ایجاد کنیم، از آثار زنان هنرمند چند گالری در گالری‌ها و نگارخانه‌های خانت هنرمندان رونمایی می‌کنیم. هم‌چنین فیلم‌های مستندی درباره زندگی هنرمندان زن معاصر و نشست‌های تحلیل آثار آن‌ها را خواهیم داشت.»

تاریخ هنر بدون زنان ناقص است

پس از دبیری‌نژاد، توکا ملکی طی سخنانی گفت: «باور دارم برای روایت تاریخ هنر باید در نقاط مختلفی ایستاد و قصه را روایت کرد. یکی از این نقاط، جایگاهی است که زنان در هنر تجسمی و هنر نوگرا ایستاده‌اند. آن‌ها نقشی را بازی کرده‌اند و نگاهی داشته‌اند که تکمیل‌کننده تاریخ هنر است و باید تفاوت آن با مردان را بررسی کرد. این امر، تفکیک جنسیتی یا پررنگ کردن زنان نیست، بلکه یک رویداد روایی برای خوانش آثار این افراد است که اگر نباشد، تاریخ هنر ناقص خواهد بود. هم‌چنین زنان و آثارشان، به‌جز در چند نمایشگاه گروهی آن‌هم به‌صورت محدود، دیده نشده‌اند. زمانی که گنجینه را دیدیم، شگفت‌زده شدیم که چه آثار مهمی از زنان وجود

نشست خبری نمایشگاه «به گزارش زنان؛ آثار هنرمندان زن نوگرای ایران به روایت موزه هنرهای معاصر تهران» صبح یک‌شنبه ۲۹ تیر با حضور رضا دبیری‌نژاد (رییس موزهٔ هنرهای معاصر تهران) و افسانه کامران، توکا ملکی و سجاد باغبان‌ماهر (کیوریتورهای نمایشگاه) برای تشریح و برگزاری این نمایشگاه در موزهٔ هنرهای معاصر تهران برگزار شد.

نمایشگاه «به گزارش زنان» با تمرکز بر آثار هنرمندان زن نوگرای ایرانی، دوم مردادماه در موزهٔ هنرهای معاصر تهران افتتاح می‌شود. این نمایشگاه با نمایش ۱۲۱ اثر از ۶۵ هنرمند زن، تلاشی است برای بازخوانی نقش زنان در تاریخ هنر معاصر ایران؛ روایتی که این بار از دل گنجینه موزه، گالری‌ها و خانه هنرمندان بیرون کشیده می‌شود.

روایت‌های نو از گنجینه‌ای زنانه

در ابتدای این نشست رضا دبیری‌نژاد گفت: «ایدهٔ برگزاری نمایشگاه «به گزارش زنان» از آغاز سال مطرح شد و از همان زمان مقدمات برگزاری آن را شروع کردیم؛ به همین دلیل از فروردین که مصادف با اواسط دوره برگزاری نمایشگاه پیکاسو بود، هستهٔ اولیه برگزاری نمایشگاه را تشکیل دادیم تا بدین صورت، موزه مدت کوتاهی تعطیل باشد و بتوانیم در مرداد نمایشگاه را آغاز کنیم. از آنجایی که جنگ ۱۲ روزه آغاز شد، برگزاری نمایشگاه را متوقف کردیم و صبر کردیم که ببینیم چه می‌شود. اکنون باتوجه به توقف جنگ، تصمیم گرفتیم، نمایشگاه را برگزار کنیم. در چند دوره‌ای که نمایشگاه‌های موزه برگزار شد، تأکید بر برگزاری نمایشگاه‌هایی با محوریت گنجینه بود تا با به نمایش درآوردن آثار آن، هر بار روایتی از دل این گنجینه ارائه دهیم. شاید آثار گنجینه ثابت باشند ولی بر اساس شرایط کشور و جامعه می‌توان هر بار روایتی متفاوت ارائه کرد. در این نمایشگاه، پس از بررسی گنجینه، متوجه شدیم که آثار زیادی از هنرمندان زن داریم که هیچ‌گاه کنار هم به نمایش درنیامده‌اند و عمدتاً یا در نمایشگاه‌های گروهی و یا به‌صورت انفرادی نمایش داده شده‌اند.» دبیری‌نژاد با بیان این‌که در این نمایشگاه از ۶۵ هنرمند زن آثار به نمایش درمی‌آید، گفت: «تصمیم گرفتیم از تمام زنان هنرمند نوگرایی که در موزه از آن‌ها اثر داریم، کار به نمایش بگذاریم. بیش از ۲۷۰ اثر از زنان در گنجینه شناسایی کردیم و براساس سناریویی

نقدفیلم

سیلی محکم واقعیت

نگاهی به فیلم سینمایی پیر پسر

فرزانه متین

گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

در ابتدا مخاطب باید این شهامت را در خود ببیند تا فیلمی تلخ و عجیب به نام «پیر پسر» را از قاب سینما تماشا کند چراکه در خیل عظیمی از سسکانس‌ها، نفس در سینه حبس می‌شود و چه بسا در سسکانس‌های آخر هم نتواند به جهت خفه‌گی جو حاکم بر قصه به راحتی به تماشا ادامه دهد. «پیر پسر» نه دنباله‌رو سینمای هنری «عباس کیارستمی» است نه ردپای مضامین اجتماعی سینمای «اصغر فرهادی» در آن دیده می‌شود، پیر پسر «اکتای براهنی»، فیلمی مستقل از همه جریان‌های سینمای ایران تاکنون است و به روایت ماجرای عجیبی از روابط اجتماعی و انسانی میان پدر و دو پسر می‌پردازد که با پا نهادن یک زن به آشپانه کثیف و متعفن آنها، آتش زیر خاکستر را شعله‌ور می‌کند. ویژگی مهم فیلم «براهنی» که ترکیبی از اقتباس‌های آزاد از ادبیات مشهور ایران و جهان است، مخاطب را در سالن سینما نشستسته نگه نمی‌دارد بلکه او را به جهان فیلمش دعوت می‌کند. مخاطب به مثابه عضوی از این خانواده وارد دنیای آنها می‌شود و در گوشه‌ای از خانه «غلام باستانی»، شیطانی که بر زمین هبوط کرده به تماشای داستان می‌نشیند و اینگونه است که دیگر فیلم را نمی‌بیند بلکه واقعیت را از نزدیک مشاهده می‌کند و همراه شخصیت‌ها می‌شود و سه ساعت تمام دم نمی‌زند.

مخاطب ابتدا با یک «حسن پورشیرازی» متفاوت روبه‌روست، حسنی که در سینما فراموش شده بود اما دیالوگ معروفش در فیلم «میهمان مامان» از «داریوش مهرجویی» در نقش «یدالله» امروز به کارش آمد، جایی که گفت: «من همه چیزمو پای سینما دادم اما سینما

چیزی برای من نداشت». حالا باید به او گفت آقای «پورشیرازی» نقشی که شما در سینما بازی کردید برای همه یک کلاس بازیگری بود چراکه نه تا به حال کسی نقشی چون شما را اینگونه پلشت بازی کرده بود و نه سینمای ایران ضد قهرمانی این‌چنینی داشته است. «غلام»، مخاطب را در کنج خانه پر از حقارت مجبور به تجربه هراس مواجهه با یک هیولا می‌کند. او نه یک شر بلکه شر مطلق و به قول خودش شیطان رجیم است. هیولای خوفناک که تماشاگر در گوشه‌ای از رینگ چمباتمه می‌زند تا از تهدید و زورگویی‌هایش در امان بماند. نام «غلام» هم پرازنده‌وی است. غلام برده عقده‌های جنسی و خشونتی بی‌پروا که حد و مرزی برای خود ندارد. او نه تنها پدر نیست بلکه انسان هم نیست حالا «غلام باستانی» درگیر خواسته‌های دو پسرش از دو زن جداگانه است؛ «علی» و «رضا» که به نحوی زیر زبان تند و تیز وخشونت بی‌پروای او بزرگ شده و جزو افراد عادی به شمار نمی‌روند. «علی» با بازی «حامد بهداد»، پسری محبوب، بی‌اعتماد به نفس و درون‌گراست. بازی بهداد به شدت از سوی کارگردان کنترل شده از این‌رو مخاطب با حامد بهدادی متفاوت روبه‌روست البته درون‌گرایی وی در نقش جلال «قصرشیرین» بیشتر به دل می‌نشیند و بازی‌اش چند پله بالاتر از پیر پسر ۴۰ ساله فیلم است.

مخاطب گاهی از «علی» حرص‌اش می‌گیرد، گاهی هم دلش برای او می‌سوزد. وی هم دوست‌داشتنی است هم بی‌عرضه و آنقدر از سوی پدر سرکوب شده است که سکوت را ترجیح می‌دهد. دستپاچگی وی در حد اعلاست تا جایی که در انتهای فیلم، مخاطب را عاصی می‌کند و در مقابل پسر کوچک‌تر، «رضا» با بازی «محمد ولی‌زادگان» نقش کلیدی در رمزگشایی از شخصیت شیطانی پدر دارد. او یک جوان سرگشته و بلا تکلیف است که با تلاطم‌های درونی‌اش در جنگ است و بر عکس «علی» منفعل نیست.



سال هشتم شماره ۲۰۲۱
دوشنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۴

گزارش: تلویزیون

شکایت به دادستان

انجمن نویسندگان آمریکا خواستار تحقیق رسمی
درباره تعطیل تاک شو شبانه شد

«برنامه گفت‌وگو محور آخر شب» (The Late Night Show) را متوقف خواهد کرد.

این اتحادیه‌ها تصمیم اخیر پارامونت برای مصالحه در پرونده‌ای که آن را «دادخواهی بی‌اساس» خوانده‌اند مورد انتقاد قرار دادند؛ پرونده‌ای که دونالد ترامپ علیه برنامه «۶۰ دقیقه» و شبکه سی‌بی‌اس نیز اقامه کرده بود و طی آن، پارامونت با پرداخت ۱۶ میلیون دلار با او توافق کرد. ترامپ مدعی شده بود که سی‌بی‌اس نیز مصاحبه‌ای با کامالا هریس را در پاییز گذشته به گونه‌ای گمراه‌کننده تدوین کرده است اما استیون کولبر که ترامپ برنامه او را دو روز پیش تعطیل کرد این غرامت را «یک رشوه بزرگ و چاق» خواند.

به گزارش گاردین با اشاره به تصمیم سنای ایالت کالیفرنیا در ماه مه مبنی بر آغاز تحقیق درباره توافق ۱۶ میلیون دلاری پارامونت با ترامپ، اتحادیه نویسندگان نوشتند: «با توجه به تسلیم شدن اخیر پارامونت در برابر ترامپ در پرونده سی‌بی‌اس نیوز، اتحادیه نویسندگان آمریکا نگران آن است که لغو برنامه «آخر سب با استیون کولبر» نوعی رشوه بوده باشد؛ اقدامی برای قربانی کردن آزادی بیان به‌منظور جلب رضایت دولت ترامپ، درحالی که شرکت به دنبال تأیید نهایی برای ادغام است».

در ادامه آمده است: «لغو برنامه‌ها بخشی از روند تجاری است اما لغو یک برنامه به دلایل سیاسی آشکار یا پنهان توسط یک شرکت، اقدامی خطرناک و غیرقابل قبول در یک جامعه دموکراتیک است. تصمیم پارامونت در حالی اتخاذ شده که ترامپ به طور مداوم به رسانه‌های آزاد حمله می‌کند از جمله با شکایت از سی‌بی‌اس و ای‌بی‌سی، تهدید به پیگرد حقوقی رسانه‌هایی که پوشش انتقادی دارند.

در بیانیه‌ای که به تازگی از سوی مدیران سی‌بی‌اس منتشر شد، اعلام شد که تصمیم برای لغو برنامه، «کاملاً تصمیمی مالی و در واکنش به شرایط دشوار بازار برنامه‌های آخر شب» بوده و «هیچ ارتباطی با عملکرد، محتوای برنامه یا سایر مسائل مرتبط با پارامونت ندارد».

کولبر که از سال ۲۰۱۵ مجری این برنامه گفت‌وگو محور شبانه بود، خبر پایان این برنامه را در ضبط شب پنج‌شنبه اعلام کرد و گفت که شب پیش از آن از این تصمیم مطلع شده است. وقتی تماشاگران برنامه با صدای اعتراض واکنش نشان دادند، کولبر گفت: «بله، من هم احساس شما را دارم».

او ادامه داد: «این فقط پایان برنامه من نیست بلکه پایان کل این برنامه در شبکه CBS است. کسی جای من را نمی‌گیرد، همه چیز در حال تمام شدن است».

استیون کولبر در سال ۲۰۱۵ جایگزین مجری پیشین، دیوید لترمن شد؛ کسی که به مدت ۲۲ سال از ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۵ مجری این برنامه بود. برنامه آخر شب با استیون کولبر در تمام این سال‌ها آمار بیننده بالایی داشت و اغلب پربیننده‌ترین برنامه شبانه تلویزیون آمریکا بوده است.

اقدام ترامپ در تعطیلی یک تاک‌شو ۳۲ ساله، آمریکا را در بهت و حیرت فرو برده است. این تعطیلی‌ها جنگ رسانه‌ای رییس جمهور آمریکا را وارد مرحله تازه‌ای کرده است و نشان می‌دهد که رییس جمهور آمریکا، تاب تحمل هیچ صدای مخالفی را ندارد و حتی در داخل کشورش هم درصدد حذف آن برمی‌آید. او حتی ابایی ندارد که از یار دیرینه خود روبرت مرداک هم شکایت کند. از خاطر نبرید که مرداک در حال حاضر صاحب اصلی شبکه فاکس نیز مهم‌ترین رسانه طرفدار ترامپ است اما رییس جمهور آمریکا همین چند روز پیش از او و شبکه وال‌استریت ژورنال به اتهام افترا و تهمت شکایت کرده است. دلیل شکایت، گزارشی است که ادعا می‌کند ترامپ برای جفری ایستین مجرم جنسی شناخته‌شده، نامه‌ای حاوی مطالب مستهجن فرستاده است. این شکایت روز جمعه در دادگاه فدرال حوزه جنوبی فلوریدا در میامی ثبت شد و ترامپ در آن خواستار دریافت دست‌کم ۱۰ میلیارد دلار غرامت شده است!

اما ماجرا از جایی مهم‌تر می‌شود که او تصمیم گرفته تمامی تاک‌شوهایی که مجریانش از مخالفان او به شمار می‌آیند، تعطیل کند. ترامپ آشکارا اعلام کرد که به دنبال تعطیلی برنامه جیمی کیمل هم هست و تمایل دارد که این برنامه را هم از روی آنتن حذف کند. او دو روز پیش از کنسل شدن برنامه شبانه «استیون کولبر» در شبکه سی‌بی‌اس ابراز خوشحالی کرد و گفت امیدوار است که پس از او «جیمی کیمل» اخراج شود. مجری برنامه شبانه پرتفردار دیگری که بارها ترامپ را مورد انتقاد شدید و تمسخر قرار داده است. ترامپ هم با نوشته‌هایش در فضای مجازی هر بار کیمل را مورد خطاب قرار می‌دهد و او را یک مجری کارناבל و مسخره می‌نامد.

اما آن طور که به نظر می‌رسد، تعطیلی این برنامه‌ها چندان هم بدون هزینه برای ترامپ نخواهد بود و او به هر حال تحت فشار گروه‌های مختلف برای تعطیلی چنین تاک‌شوهایی پرتفرداری قرار خواهد گرفت. فعلاً که انجمن نویسندگان شکایت به دادستان نیویورک برده و پای آن و تعدادی دیگر از مقامات نیویورک را به این ماجرا باز کرده است.

انجمن نویسندگان آمریکا خواستار تحقیق رسمی دادستان نیویورک درباره لغو ناگهانی برنامه «آخر شب با استیون کولبر» توسط شرکت پارامونت شد. اتحادیه نویسندگان آمریکا خواستار آن شده که مقامات ایالت نیویورک درباره اقدام ناگهانی پارامونت برای لغو برنامه تلویزیونی «آخر شب با استیون کولبر» تحقیق رسمی انجام دهند.

دو شاخه شرقی و غربی اتحادیه نویسندگان آمریکا در بیانیه‌ای شدیدی از لیتیشیا جیمز، دادستان کل ایالت نیویورک خواستند که درباره پارامونت به دلیل «احتمال سوءرفتار» تحقیق کند؛ این درخواست پس از آن مطرح شد که شرکت پارامونت روز پنج‌شنبه اعلام کرد، پخش



نمایشگاه، نحوهٔ پردازش به هنر زنان باید از بازنمایی گذر کند و به موضوعات مهم‌تری بپردازد. کار بزرگی که موزه می‌کند، این است که بخش بزرگی از آثاری که تاکنون دیده نشده‌اند را نمایش دهد تا بتوان روی آن‌ها کار کرد. یکی از مشکلات پژوهش‌گران ما این است که بعضاً به این آثار دسترسی ندارند. رسالت این نشست‌ها باید این باشد که به آن چیزی که در این‌جا به نمایش گذاشته نشده است اما زنان همواره آن را در رفتار هنری خود داشته‌اند، بپردازند. در این نشست‌ها می‌خواهیم به تاریخ‌نگاری هنر زنان بپردازیم؛ این که اولین نسل هنرمندان زن چه کرده‌اند، با چه چالش‌هایی مواجه بوده‌اند، چگونه مرزها را شکسته‌اند، نقش مؤسسات آکادمیک چه بوده است، زنان هنرمند مهاجر، نقش زنان به‌عنوان هنرمند، گالری‌دار، مدیر مؤسسه هنر یا کارشناس. دیگر موضوعات هویت و بازنمایی است که نوآوری سبک و... در آن بررسی می‌شود. همچنین چالش‌های معیشتی و اقتصادی زنان در حوزه هنر و مواجهه با محدودیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن‌ها نیز بررسی می‌شود».

نمایش ۶۰ اثر برای نخستین‌بار

سجاد باغبان‌ماهر، کیوریتور دیگر این نمایشگاه دربارهٔ ابعاد اجرایی این رویداد توضیح داد: در مجموع ۱۲۱ اثر در سالن‌های نمایشگاه ارائه شده که از این میان حدود ۶۰ اثر تاکنون در هیچ نمایشگاهی به نمایش گذاشته نشده‌اند. نوع چیدمان آثار تا حدودی رویکردی دایره‌المعارفی دارد اما تصمیم گرفتیم، بخش‌هایی از آن را به گالری‌ها و آگادار کنیم تا مشارکت نهادهای مستقل هنری نیز در آن پررنگ باشد. از گالری‌ها دعوت کردیم تا آثار زنان هنرمند فعال را به نمایش بگذارند و در نتیجه ۱۲ گالری در این پروژه مشارکت دارند».

داستان «پیرپسر» این‌گونه است؛ مانند سرنوشت مادر «رضا». با همه این اوصاف فیلم شروعی شایسته و کوبنده، میانه‌ای تقریباً حوصله‌بر و پایان‌بندی میخکوب‌کننده دارد. شاید بتوان «پیرپسر» را اثری شاهکار قلمداد کرد اما جادوی سینما در آن وجود دارد. فیلم دروغ نمی‌گوید و آنچه را که نشان می‌دهد در بستر کف اجتماع روان است و رهگذران با چشمان بسته از کنار آن می‌گذرند. «پیرپسر» یک سبیلی محکمی بر صورت افرادی می‌زند که روی واقعیت‌ها، چشمانشان را می‌بندند. فیلم نه شایسته تعریف و تمجیدهای اغراق‌آمیز است نه مورد نقدهای غرض‌ورزانه دلوایسان. فیلم از میزانسن، جزئیات و دکوپاژ قوی برخوردار است.

طراحی صحنه و لباس در خدمت اثر است. دیالوگ‌ها با اینکه بینگ‌بینگی است اما حوصله‌بر نیست. فیلمنامه تقریباً بی‌نقص است اما برخی از گرha، حل نشده باقی مانده مانند آنکه «علی» که هر روز آرزوی مرگ پدرش را دارد و شاهد آن بوده که مادر «رضا» را کشته و در حیاط خانه دفن کرده چرا تا به حال او را لو نداده تا هم خود و هم برادرش را از این سلاخ‌خانه نجات دهد؟ یا چرا «محمدرضا داوودنژاد»، یار شیره‌کش خانه «غلام» به «رضا» می‌گوید در شبی که «رضا» ناپدید شد، «غلام» پیش وی نبوده است؟ یا چرا «رعنائی» که دلبسته «علی» است، ناگهان به سمت «غلام» سُر می‌خورد و در انتهای از ماشین فکستنی «غلام»، خودش را بیرون نمی‌اندازد؟ چرا وقتی این دو پسر می‌خواهند از ماجرای «غلام» و «رضا» سر در بیاورند با توجه به مدارکی که دارند از پلیس کمک نمی‌گیرند؟ اگر این معماها حل می‌شد، اکتای براهنی یک‌کل منسجم را از خود بر جای می‌گذاشت با این حال «پیرپسر»، قیصر زمانه خودش است. اثری است که تا سال‌ها از آن حرف زده و به عنوان درس بازگیری و کارگردانی در منابع رسمی خواهد بود البته به شرطی که «براهنی» در یک تدوین مجدد فیلم را کوتاه‌تر کند، برخی از سکانس‌ها مانند اینکه دانه شیره‌کش خانه را نشان می‌دهد یا سکانس طولانی کافه و مهمانی رفتن «علی» و «رضا» یا سکانس آمدن مادر «رضا» به خانه‌اش و یا خریدهای «رضا» و دوستش از فیلم حذف شود؛ اینها نه تنها از محتوای «پیر پسر» چیزی کم نمی‌کند بلکه به روند سریع داستان هم کمک می‌کند. «پیرپسر» هم از نظر محتوا و هم از نظر اجرا، اثری جسور و تاثیرگذار است که مخاطب بدون داشتن هیچ پیش‌فرضی و فقط داشتن شهامت، می‌تواند این فیلم را بارها و بارها تماشا کند.

دارد که در هیچ نمایشگاهی دیده نشده‌اند؛ به همین دلیل، فرصتی بود که از زوایای مختلف آثار آن‌ها را بررسی کنیم. بررسی از این جهت که به چه موضوعاتی بیشتر پرداخته‌اند، از چه تکنیک‌هایی بیشتر استفاده کرده‌اند، چه شاخصه‌های فردی دارند و چقدر به جریان اصلی هنر نوگرا توجه کرده‌اند یا مسیر خود را پیش برده‌اند. تمام این موارد باعث شد بخش‌های مختلفی شکل بگیرد. «ملکی دربارهٔ بخش‌های مختلف نمایشگاه گفت: «بخش «پیشگامان» به بررسی نخستین هنرجویان زنی که در هنر نوگرا کار کرده‌اند مانند شکوه ریاضی می‌پردازد. بخش «پرتره» به نوع پردازش زنان به این موضوع و توجه آن‌ها به سوزده‌های مختلف پرداخته است. بخش «هنر انتزاعی»؛ چراکه زنان شاخص‌ترین آثار را در هنر نوگرای ایران دارند. بخش «منظره‌نگاری و طبیعت در هنر نوگرا» که زنان در این حوزه هم آثار بسیار شاخصی دارند. بخش «توجه به زندگی روزمره» و اینکه تفاوت زنان در نحوه پرداختن به مسائل اطراف، اجتماعی و پیرامون چیست. بخش «نوست‌گرایی» که زنان رویکرد خود را به آن داشته‌اند. بخش «مسائل اجتماعی» هم نحوه واکنش زنان به مسائل اجتماعی را نسبت به مردان روایت می‌کند».

از بازنمایی عبور کنیم

در ادامه، افسانه کامران نیز دربارهٔ بخش پژوهشی نمایشگاه گفت: «یکی از وظایف موزه‌ها، نقش پژوهشی آن‌ها در هنر است که برای من به‌عنوان استاد دانشگاه، جالب بوده که پژوهش درباره فعالیت زنان در هنر چه طیفی را در بر گرفته است. در سال‌های اخیر، پژوهش دربارهٔ زنان در هنر گسترش پیدا کرده است و یکی از کلیدواژه‌های اصلی این پژوهش‌ها «بازنمایی» است، با برگزاری این

حالا این سه مرد یک داستان کلاسیک را تعریف می‌کنند که به نحوی، مرزهای درام اجتماعی و روان‌شناختی را جابه‌جا می‌کند. با ورود «رعنا»، یک زن اثیری، این سه مرد به جان هم می‌افتند. «غلام» و «علی» هر دو خواستار «رعنا» هستند. «براهنی» هر چقدر در زمینه شخصیت‌پردازی این سه مرد تلاش کرده در مورد بازی «رعنا» متین» کوتاهی کرده است. «لیلا حاتمی» در نقش «رعنا» تنواسته، بازی یکدستی از خود ارائه دهد. او مخلوطی از بازی‌هایش از فیلم‌های «تصور»، «رگ خواب»، «لیلا» و «آب و آتش» را در «رعنا» چپانده است تا مخاطب با کاراکتر زنی مستقل، بی‌پناه، بی‌اراده، سرکش و اغواگر رویه‌ور شود که گاهی به «علی» دل می‌سپارد و گاهی از او رو برمی‌گرداند. زنی که نمی‌داند چه می‌خواهد و همین نخواستن‌های زن است که در جامعه مردسالار ایران حذف می‌شود. زنی چون «رعنا» در جامعه سنتی مردسالار، زمانی که می‌خواهد، عرض اندام کند و کنشگر و انتخابگر شود، حیانتش را از دست می‌دهد. در واقع اساس



دیدگاه: یادداشت روز

رشد در کوران ابهام

چرا خروج پول همچنان ادامه دارد؟

نسربین خدادادی

گروه اقتصاد

بورس تهران برای هفتمین روز متوالی با رشد شاخص کل همراه شد این درحالی است که خروج پول حقیقی همچنان به قوت خود باقی است. دماسنج اصلی بورس با احتساب رشد دیروز از کف ۲ میلیون و ۶۳۷ هزار واحدی ثبت شده در هجدهم تیرماه، صعود ۸/۷ درصدی را تجربه کرده است اما استراتژی فروش همچنان در دستور کار سهامداران بازار قرار دارد.

شاخص کل با رشد ۸۱/۰ درصدی همراه شد و به سطح ۲ میلیون و ۸۲۴ هزار واحدی رسید. شاخص هموزن هم ۲۴/۰ درصد رشد را به ثبت رساند و در سطح ۸۴۴ هزار واحدی جای گرفت. در فراپورس نیز شاخص کل این بازار ۲۷/۰ درصد بر ارتفاع خود افزود. خروج پول حقیقی از بازار نیز همچنان ادامه‌دار است و در دادوستدهای دیروز یک هزار و ۷۶ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام خارج شد. همچنین ارزش معاملات خرد بازار سهام نیز پس از حضور دو روزه در کانال ۵ همت در روز جاری به کانال ۷ همت رسید و رقم ۷ هزار و ۱۵۹ میلیارد تومان را ثبت کرد. بررسی بازدهی بازارهای دارایی حاکی از آن است که بورس پیش‌تاز رقابت بازارهای ریسکی است. تا پایان معاملات دیروز شاخص کل این بازار با رشد ۲/۴ درصدی همراه شده و شاخص هموزن نیز ۲/۶ درصد رشد را به ثبت رسانده است.

دیروز روند خروج پول حقیقی همچنان ادامه داشت؛ به طوری که دیروز بیش از هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار خارج شد. سرانه خرید حقیقی ۶۰۱ میلیون تومان و سرانه فروش حقیقی ۶۴۱ میلیون تومان بود که نشان می‌دهد، عرضه از سوی حقیقی‌ها بر تقاضای آنان پیشی گرفته است.

به عقیده تحلیلگران، بازار سرمایه دیروز هم در امتداد روند متعادل و مثبت روزهای اخیر حرکت کرد اما فضای کلی معاملات همچنان نشانه‌ای از بازگشت اعتماد به سهامداران ندارد. هرچند تقریباً نیمی از نمادها در محدوده مثبت بسته شدند و ارزش معاملات به حدود ۷ هزار میلیارد تومان رسید اما وضعیت کلی بازار همچنان شکننده است. همچنین خروج قابل توجه نقدینگی، نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از فعالان بازار همچنان تمایلی به ماندن در این فضا ندارند. با این حال اتفاق مهم این روزها، مثبت شدن شاخص‌ها به پشتوانه گزارش‌های فصلی و بنیادین بوده است. همچنین صنایعی نظیر سیمان، نیروگاهی و دارویی با انتشار صورت‌های مالی بهار، مورد توجه فعالان قرار گرفته‌اند و توانسته‌اند در روزهای اخیر با تقاضای خوبی همراه شوند. با این حال، رشد شاخص‌ها نتوانسته به سبب سهام عمده سهامداران راه پیدا کند؛ دلیل این موضوع هم زیان‌های ایجادشده در ماه‌های قبل و عدم رشد کافی نمادهای پرتراکنش است. به عنوان مثال در صندوق های اهرمی و نمادی مانند خسباپ این موضوع مشهود است.

نکته مهم این روزهای بازار، رشد شاخص‌ها با اتکا به گزارش‌های فصلی و محرک‌های بنیادی است. صنایعی مثل سیمان، نیروگاهی و دارویی پس از انتشار صورت‌های مالی بهار، مورد توجه بازار قرار گرفتند و در روزهای اخیر با تقاضای نسبی همراه شدند. با این حال، این رشد هنوز در سبب اکثر سهامداران خود را نشان نداده است؛ چرا که زیان‌های دوره قبل و عدم بازگشت نمادهای پرتراکنش، اجازه نداده حس مثبتی در بین سرمایه‌گذاران شکل گیرد.

دیروز همچنین خبر کاهش نرخ بهره بین بانکی هم در نوع خود جالب توجه بود. نرخ بهره بین بانکی بعد از حدود ۱۰ ماه، با کاهش از سقف کریدور فاصله گرفته و به ۶/۲۳ درصد رسید. برخی در بازار معتقد بودند این کاهش نرخ می‌تواند در بازارهای دارایی نوسان ایجاد کند. اما در مقابل برخی تصور می‌کنند این نرخ بهره روی اقتصاد اثر نمی‌گذارد. وضعیت بازدهی در بازار ارز، طلا و سکه همچنان در محدوده منفی قرار دارد؛ دلار در بازار آزاد، در قیاس با رقم پایانی سال گذشته، کاهش ۲/۱۱ درصدی را به ثبت رسانده و قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار هم با افت ۹/۱۳ درصدی همراه شده است.

سکه امامی هم ۸/۱۹ درصد کاهش را به ثبت رسانده است. قطعات کوچکتر خانواده سکه و طلا یعنی نیم سکه و ربع سکه نیز با افت ۳۰ درصدی همراه شده‌اند.

آینده بنگاه‌های تولیدی پس از جنگ ۱۲ روزه چیست و چه بر سر آن‌ها می‌آید؟

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

در قلب کارگاه‌های خاک‌گرفته و کارخانه‌های نیمه‌جان، صدای چرخ‌دنده‌های تولید هر روز ضعیف‌تر می‌شود. تورم رو به افزایش، مثل خوره، قدرت خرید مردم و توان بنگاه‌ها را می‌بلعد. تحریم‌ها، چون دیواری نفوذناپذیر، راه مواد اولیه و بازارهای جهانی را سد کرده‌اند. قطعی‌های برق و گاز، خطوط تولید را به سکوت مرگبار کشانده و سایه جنگ و تنش‌های ژئوپلتیک، امید به سرمایه‌گذاری را خاموش کرده است. شاخص تولید صنعتی به پایین‌ترین سطح در ۸۱ ماه گذشته سقوط کرده و صدها واحد تولیدی در آستانه ورشکستگی‌اند. اگر اصلاحات فوری در نظام بانکی، انرژی و سیاست‌گذاری رخ ندهد، کارگاه‌های خسته صنعتی ممکن است برای همیشه به خواب روند و اقتصاد ایران را در گردابی عمیق‌تر فرو ببرند.

عملکرد بنگاه‌های تولیدی در روزهای پرتنش اخیر قابل توجه بود. با وجود ناامنی‌ها و فشار روانی ناشی از تنش جنگ، برخی بنگاه‌های تولیدی با افزایش شیفیت کاری تا سه برابر، تلاش کردند تا نیازهای بازار را تأمین کنند و از توقف تولید جلوگیری کنند که نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری و تعهد آن‌ها به حفظ جریان تولید است. با این حال، گزارش‌ها حاکی از آن است که بسیاری از بنگاه‌ها، به‌ویژه واحدهای صنعتی کوچک، با مشکلات جدی مواجه شده‌اند. شاخص مدیران خرید (شامخ) بخش صنعت در خرداد ۱۴۰۴ به ۴۲.۱ رسید که پایین‌ترین رقم از مهر ۱۳۹۷ به شمار می‌رود، نشان‌دهنده رکود عمیق در این بخش است. قطعی‌های مکرر برق و گاز، کمبود منابع مالی، مشکلات تأمین مواد اولیه و کاهش تقاضای مشتریان به دلیل تنش‌های منطقه‌ای، تولید را کاهش داده و برخی بنگاه‌ها را به مرز ورشکستگی کشانده است. برخی گزارش‌ها از کاهش تولید ماهانه از ۳۰ تن به ۱۰ تن در کارخانجات کوچک خبر می‌دهند، همراه با افزایش ۵۰ درصدی اجاره‌ها و مشکلات نیروی کار. همچنین بی‌ثباتی اقتصادی، نوسان‌های ارزی و ریسک‌های ژئوپلتیک، انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش داده و نااطمینانی را در میان تولیدکنندگان افزایش داده است.

چنانکه شرح داده شد، بنگاه‌های تولیدی این روزها با چالش‌های متعددی مواجه‌اند که حیات و پایداری آن‌ها را تهدید می‌کند. تورم رو به افزایش هزینه‌های تولید را افزایش داده و قدرت خرید مصرف‌کنندگان را کاهش داده است. تحریم‌های بین‌المللی دسترسی به بازارهای جهانی، مبادلات

ترجمه

اقتصاد تفلونی

نظم جدید جهانی با اقتصاد چه می‌کند؟

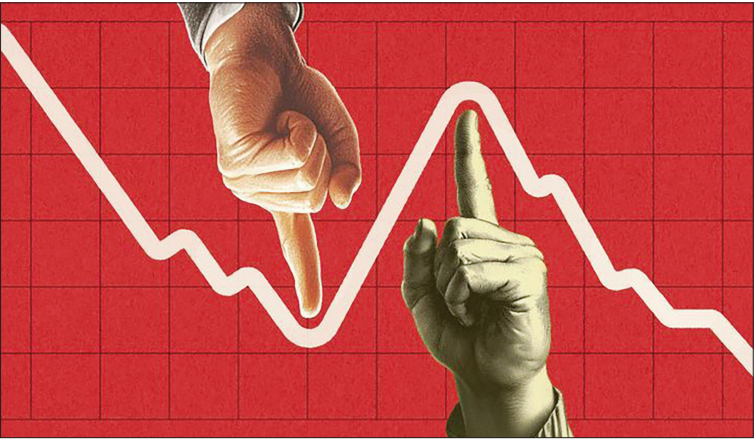
مهتا معرفت

مترجم

درحالی که دونالد ترامپ جنگ تجاری خود را ادامه می‌دهد و به برکناری جروم پاول، رئیس کل فدرال‌رزرو می‌اندیشد تحلیلگران کوچک‌ترین داده‌ها را بررسی می‌کنند و کوچک‌ترین افت بازارهای سهام و افزایش تورم را نشانه‌ای از بروز آسیب‌ها می‌دانند. با این حال اگر یک گام به عقب بردارید از آرامش اوضاع شگفت‌زده می‌شوید. نظم جهانی در دهه گذشته تحت تأثیر عوام‌گرایی، خودکامگی و جنگ زیرورو شد اما اقتصاد همچنان با قدرت پیش می‌رود. به استثنای اقتباس کوچک ناشی از قرنطینه‌های کووید ۱۹، از سال ۲۰۱۱ به بعد تولید ناخالص داخلی جهان هر سال حدود سه درصد رشد کرد. نرخ بیکاری در جهان ثروتمند به پایین‌ترین سطح رسیده و شاخص S&P۵۰۰ آمریکا

تجاری و نقل‌وانتقال مالی را محدود کرده و فشار مضاعفی بر بنگاه‌ها وارد می‌کند. شوک‌های ارزی و کاهش ارزش ریال، برنامه‌ریزی مالی را دشوار کرده و هزینه‌های تأمین مواد اولیه را بالا برده است. بی‌ثباتی اقتصادی و نااطمینانی در سیاست‌گذاری‌ها، چشم‌انداز فعالیت بنگاه‌ها را تیره کرده و سرمایه‌گذاری بلندمدت را غیرممکن می‌سازد.

فضای غیررقابتی و انحصار در برخی بخش‌ها، فرصت‌های رشد را از بنگاه‌های کوچک و متوسط سلب کرده و آن‌ها را در معرض ورشکستگی قرار داده است. مشکلات نظام بانکی از جمله نرخ بالای تسهیلات و ناترازی ترازنامه بانک‌ها، تأمین مالی را برای بنگاه‌ها دشوار کرده است.



محدودیت‌های فناوری و اینترنت، به‌ویژه قطعی‌های مکرر و فیلترینگ، بهر‌دوری و دسترسی به بازارهای دیجیتال را کاهش داده است.

افزایش هزینه‌های تولید، مالیات‌های سنگین و پیچیدگی قوانین مالیاتی، فشار مضاعفی بر بنگاه‌ها وارد می‌کند. بحران انرژی، از جمله قطعی برق و ناترازی انرژی، تولید را مختل کرده و برخی صنایع را به توقف کشانده است. ریسک‌های سیاسی و امنیتی، از جمله تنش‌های ژئوپلتیک و سایه جنگ، تقاضای داخلی و خارجی را کاهش داده و رکود اقتصادی را تشدید کرده است. این چالش‌ها در کنار هم، بنگاه‌های ایرانی را در موقعیتی شکننده قرار داده و نیاز به اصلاحات ساختاری و سیاست‌گذاری‌های مؤثر را برای بقای آن‌ها ضروری ساخته است.

چشم‌انداز تولید

چشم‌انداز تولید در بنگاه‌های صنعتی در حالی که آینده به میزان زیادی ابهام دارد، سخت به نظر می‌رسد. در حال حاضر روند تولید در تحت تأثیر عوامل متعدد داخلی و خارجی، مسیری پیچیده و پرچالش را طی می‌کند. از یک سو، گزارش‌های بانک مرکزی نشان‌دهنده رشد ۳.۱ درصدی تولید ناخالص

داخلی در سال ۱۴۰۳ است که عمدتاً متکی به بخش‌های نفت، خدمات و کشاورزی بوده با رشد ۴.۶ درصدی نفت و ۳.۶ درصدی کشاورزی به دلیل افزایش تولید و صادرات. با این حال، این رشد عمدتاً به افزایش قیمت‌ها وابسته است تا تولید واقعی زیرا تورم بالا حدود ۴۲ درصد طبق پیش‌بینی بانک جهانی، قدرت خرید را کاهش داده و رشد اسمی را تحت‌الشعاع قرار داده است. تحریم‌های بین‌المللی، محدودیت‌های بانکی و مشکلات نقل‌وانتقال مالی، دسترسی به مواد اولیه و بازارهای صادراتی را دشوار کرده و ظرفیت تولید بسیاری از بنگاه‌ها را کاهش داده است. شاخص مدیران خرید بخش صنعت در خرداد ۱۴۰۴ به ۴۲.۱ رسید که پایین‌ترین

سطح در ۸۱ ماه اخیر است و نشان‌دهنده رکود عمیق، به‌ویژه در صنایعی مانند خودروسازی با کاهش ۸.۲۶ درصدی تولید در مقایسه با سال گذشته است. بحران انرژی از جمله قطعی‌های مکرر برق و گاز، زیان‌های هنگفتی به تولید وارد کرده و توقف خطوط تولید را تشدید کرده است. کمبود نقدینگی، بدهی‌های معوق بانکی، قوانین متناقض و بروکراسی پیچیده، سرمایه‌گذاری در تولید را به شدت کاهش داده و نرخ تشکیل سرمایه را در دهه ۱۳۹۰ منفی کرده است، هرچند در سال‌های اخیر به ۰.۷ درصد بهبود یافته است. تنش‌های ژئوپلتیک مانند جنگ

۱۲‌روزه اخیر، نااطمینانی را افزایش داده و برخی بنگاه‌ها را به تعطیلی موقت کشانده است. با این حال تلاش‌هایی برای احیای واحدهای نیمه‌تعطیل و حمایت از تولید مانند تخصیص بودجه تبصره ۱۸ و تسهیل مجوزدهی، دیده می‌شود اما اثربخشی این سیاست‌ها محدود بوده است. در مجموع تولید در ایران به سمت رکود عمیق‌تر پیش می‌رود، مگر اینکه اصلاحات ساختاری در نظام بانکی، ارزی، انرژی و سیاست‌گذاری انجام شود و حمایت‌های مؤثری از تقاضای داخلی و صادرات صورت گیرد.

در شرایط کنونی با وجود تورم بالا، تحریم‌ها، بحران انرژی و تنش‌های ژئوپلتیک، برخی صنایع به دلیل ویژگی‌های خاص خود یا انطباق با نیازهای بازار می‌توانند سودآوری نسبی را حفظ کنند. به طور مشخص، صنایع کوچک و متوسط با تمرکز بر بازارهای محلی و تولید کالاهای مصرفی کم‌هزینه می‌توانند با چابکی و انعطاف‌پذیری، سودآوری خود را حفظ کنند. این صنایع با تکیه بر تقاضای داخلی، مزیت‌های رقابتی مانند منابع ارزان یا بازارهای صادراتی منطقه‌ای و توانایی انطباق با شرایط بحرانی، شانس بیشتری برای سودآوری در دل بحران‌ها دارند، مشروط بر اینکه بتوانند چالش‌های نقدینگی، انرژی و تحریم را مدیریت کنند.

نرخ ارزشان را شناور کردند و با انتشار بدهی به پول داخلی خود را از فرازوفرودهای نرخ بهره آمریکا رها‌نیدند. این امر به آنها کمک کرد که با وجود افزایش نرخ‌ها و اوج‌گیری بهای کالاهای تجاری بتوانند، جلو بحران بدهی را بگیرند.

ایسن اقدامات زنجیره‌های عرضه را شکننده‌تر می‌کنند. همه‌گیری نشان داد که عرضه متنوع بسیار تاب‌آورتر از تولید داخلی است چراکه تولید داخلی با یک قرنطینه یا فاجعه طبیعی متوقف می‌شود. همچنین دولت‌ها پشتیبانان خوبی از عرضه جدید نیستند. بزرگ‌ترین موفقیت سیاست بازگرداندن تولید به داخل در آمریکا پیدایش صنعت شیل بود اما این صنعت نه به خاطر سیاست بلکه به آن دلیل پدید آمد که کارآفرینان به دنبال فرصت‌ها بودند. تاریخ نشان می‌دهد که اقتصادها نمی‌توانند برای همیشه باثبات بمانند. هرچه دوران توسعه طولانی‌تر باشد سیاستمداران، سرمایه‌گذاران و شرکت‌ها ریسک‌پذیر بالاتری پیدا می‌کنند و فرآیند سقوط را سرعت می‌بخشند. آقای ترامپ در ۱۶ جولای گفت که عزل آقای پاول بسیار «نامحتمل» است. اگر او نظرش را تغییر دهد و استقلال بانک مرکزی را زیر سوال برد آرامش و استحکام دهه گذشته در معرض آزمون قرار می‌گیرد. اقتصاد تاکنون همه را غافلگیر کرده و هنوز می‌تواند به این غافلگیری ادامه دهد. اما تفلون در حال فرسودگی است.

منبع: اکونومیست

سه روز پیرالتهاب

یک خانواده در خمین به صورت دسته‌جمعی به شهادت رسیدند

شفاف‌سازی افکار عمومی روشن شود.

این تیراندازی مطابق با اعلام رسانه‌ها از سوی نیروهای کشیک یک مرکز نظامی در خمین صورت گرفت که وظیفه تأمین امنیت آن منطقه را بر عهده داشتند. در آیین تشییع پیکر جان‌باختگان، سردار هادی رفیعی‌کیا، فرمانده انتظامی استان مرکزی نیز حضور یافت و با ابراز تأسف از این رخداد، خود را در غم خانواده داغدار شریک دانست. وی ضمن قدردانی از حضور مردم در مراسم و تسلیت به خانواده شیخی، روحیه انقلابی مردم خمین و این خانواده شهیدپرور را ستود. فرمانده انتظامی استان مرکزی تأکید کرد، نیروی انتظامی و سپاه پاسداران خود را خدمتگزار مردم و حافظ امنیت کشور و اسلام می‌دانند. وی همچنین این حوادث را نشأت گرفته از «خیانت‌ها و شیظنت‌های اخیر رژیم صهیونیستی» دانست و تصریح کرد، رژیم غاصب صهیونیستی به زودی سزای اعمال پلیدش را خواهد دید و با هوشیاری مردم از صفحه روزگار محو خواهد شد.

سه روز پس از واقعه طی مراسمی در خمین تشییع و به خاک سپرده شدند. در این آیین، انبوهی از مردم خمین به

بر اساس گزارش‌های رسمی، شامگاه پنج‌شنبه ۲۶ تیرماه نیروهای حفاظت یکی از مراکز نظامی در شهرستان خمین به دو خودروی عبوری که به آنها مشکوک شده بودند، تیراندازی کردند. در نتیجه این تیراندازی چهار تن از سرنشینان دو خودرو که شامل دو زن، یک مرد و یک کودک خردسال بودند، جان خود را از دست دادند. چهار عضو یک خانواده به نام «شیخی» (محمدحسین، محبوبه و رها شیخی و فرزانه حیدری) در این حادثه جان باختند. به گفته فرماندار خمین، سه نفر در صحنه حادثه جان باختند و یک نفر دیگر پس از انتقال به بیمارستان فوت کرد که به این ترتیب شمار قربانیان به چهار نفر رسید. مقامات محلی بر لزوم حفظ آرامش و پرهیز از انتشار شایعات تأکید کرده و از مردم خواستند از بازنشر اخبار تأییدنشده، خودداری کنند.

دادستان عمومی و انقلاب شهرستان خمین با تأیید وقوع این حادثه مرگبار اعلام کرد که پرونده قضایی تشکیل شده و ابعاد موضوع در دست بررسی است. به گفته ابراهیم قمیزی دادستان خمین، عوامل تیراندازی در حال حاضر بازداشت هستند تا تحقیقات تکمیلی انجام و جزئیات ماجرا برای

جامعه

خسارت سنگین

خسارت ۲ هزار میلیاردی لغو پروازها در حال افزایش به ۱۰ هزار میلیارد تومان است

گروه اجتماعی: بیش از یک ماه از لغو گسترده پروازها در ایام جنگ ۱۲ روزه می‌گذرد اما هنوز تعداد زیادی از مسافران ریالی از پول بلیت‌های کنسل شده خود دریافت نکرده‌اند. این در حالی است که پیش‌تر وعده داده شده بود، مبالغ به‌طور کامل به مسافران بازگردانده شود. گزارش‌ها حاکی است بسیاری از مسافران- به‌ویژه مسافران پروازهای خارجی- همچنان در بالاتکلیفی به سر می‌برند و حتی یک ریال از مبلغ پرداختی خود را پس نگرفته‌اند.

مسافران معترض می‌گویند، پیگیری‌های مکرر آنها از شرکت‌ها و وب‌سایت‌های فروش بلیت فقط با وعده‌های توخالی مواجه شده است. یکی از مسافران پرواز خارجی (مسیر ترکیه) که قرار بود ۲۴ خرداد ماه سفر کند، می‌گوید پروازشان به دنبال ابطال تمامی پروازها لغو شد اما هنوز هیچ مبلغی از پول بلیت بازگردانده نشده و هر بار پیگیری می‌کنند با وعده‌های جدید روبه‌رو می‌شوند. مسافر دیگری که بلیت پرواز داخلی را از یک سایت اینترنتی خریده بود، اظهار داشت ۲۵ روز از خریدش گذشته و با وجود پیگیری‌های بسیار هنوز وجه بلیت به حساب او برگشته است.

مسئولان هواپیمایی می‌گویند اکثر وجوه به مسافران بازگردانده شده است. مهدی رضضانی، سخنگوی سازمان هواپیمایی کشوری اعلام کرد حدود ۹۰ درصد مبالغ بلیت‌های لغو شده به حساب مسافران واریز شده و تلاش‌ها برای بازگرداندن ۱۰۰ درصد مبالغ ادامه دارد. وی تأکید کرد که شرکت‌های هواپیمایی بنا بر دستور وزیر راه و شهرسازی و رئیس سازمان هواپیمایی کشوری تمام تلاش خود را برای استرداد وجوه انجام داده‌اند. سازمان هواپیمایی کشوری همچنین از مسافرانی که هنوز پول خود را دریافت نکرده‌اند، خواسته موضوع را به این سازمان اطلاع دهند تا در اسرع وقت پیگیری شود.

با این حال، آمارهای ارائه شده از سوی مسئولان با شواهد میدانی و اظهارات صنفی تناقض دارد. طبق گزارش خبرگزاری صداوسیما در بازه ۲۳ خرداد تا ۱۱ تیر (دوره جنگ ۱۲ روزه) مجموعاً حدود ۱۲۰۲۹ پرواز داخلی و خارجی لغو شد. در این مدت حدود ۸۳۹ هزار بلیت به ارزش تقریبی ۶،۱۰۰ میلیارد تومان توسط مردم خریداری شده بود. شرکت‌های هواپیمایی درآمد این بلیت‌ها را عمدتاً صرف پرداخت دستمزد کارکنان و تأمین قطعات هواپما کرده بودند و برای بازپرداخت وجوه ناچار به تأمین اعتبار از منابع دیگر شدند. به گفته معاون سازمان هواپیمایی، تاکنون پول حدود ۸۰۰ هزار بلیت کنسل شده به مسافران مسترد شده و تنها حدود ۳۹ هزار بلیت باقی مانده

همراه جمعی از فرماندهان نظامی و مسئولان کشوری و استانی حضور یافتند. پیکرهای این شهدا بر روی دستان سوگواران تشییع شدند. غلامرضا شیخی، پدر خانواده که در حادثه خمین، همسر و فرزندان خود را از دست داد از همه خواست اجازه ندهند، دشمنان از این واقعه سوء استفاده کنند و تأکید کرد «کسی حق ندارد به دشمن ما پیام دهد» و گفته است از بستگان خود خواسته که این موضوع را به همه اطلاع دهند تا همگان هوشیار باشند.



با این حال برخی چهره‌های داخلی خواستار پاسخگویی شفاف مسئولان در این زمینه شده‌اند. برای نمونه، آذر منصوری پرسید چه کسی پاسخگویی این «فاجعه تکان‌دهنده» خواهد بود و تأکید کرد، جامعه از خود پاسخگویی شفاف از سوی نهادهای مسئول بیش از خود حادثه آزرده شده است؛ مطالبه‌ای که بازتاب خواست افکار عمومی برای روشن شدن علل چنین حوادثی و جلوگیری از تکرار موارد مشابه محسوب می‌شود.

حادثه

زندگی خطری بی‌پاسخ

تصادفات جاده‌ای در ایران تبدیل به بحران شده است

حادثه دلخراش واژگونی اتوبوس مسیر قیروکارزین به مشهد که منجر به مرگ ۲۲ نفر و زخمی شدن ۳۵ نفر دیگر شد از جمله تلخ‌ترین رخدادهای جاده‌ای تابستان ۱۴۰۴ بود؛ حادثه‌ای که بار دیگر ضعف‌های زیرساختی، نایبمنی ناوگان حمل‌ونقل عمومی و ناکارآمدی مدیریت بحران را به رخ کشید. این اتوبوس مدل ۱۳۸۶ اسکانیا قرار بود ۵۷ نفر را از جنوب فارس به مشهد ببرد اما به گفته حسین کرمان‌پور، رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت، تنها با «۱۸ فوتی در صحنه، ۴ فوتی در بیمارستان و ۱۶ کودک در میان مجروحان» به مقصد نرسید. وی با کنایه‌ای تلخ در صفحه مجازی خود نوشت: «در ۱۲ روز جنگ تحمیلی هم کمتر چنین آمبولانسی درگیر بود؛ چه کسی مقصر است؟»

این سانحه تنها یکی از هزاران تصادف جاده‌ای سالانه در کشور است. طبق آمار پلیس راهور، سالانه بیش از دو میلیون و ۴۰۰ هزار تصادف در کشور ثبت می‌شود که ۵۰ مورد آن روزانه منجر به مرگ و بیش از ۱۳۰ مورد موجب جراحت می‌شود. در طول دو دهه گذشته، سالانه به‌طور میانگین ۲۰ هزار نفر در اثر تصادفات جان باخته‌اند؛ آماري که ایران را در رتبه ۱۱۲ جهانی از حیث تلفات جاده‌ای قرار داده است.

عوامل متعددی در بروز این حوادث نقش دارند: ۵۲ درصد ناشی از خطای انسانی، ۲۰ درصد به دلیل وضعیت نامناسب راه‌ها، ۱۲ درصد به نقص فنی خودروها و بقیه به دلایل ترکیبی. متأسفانه ۵۲ درصد از جان‌باختگان در لحظه حادثه و قبل از رسیدن به مراکز درمانی فوت می‌کنند که نشان‌دهنده شدت بالای تصادفات و ایمنی پایین خودروها و جاده‌هاست. خسارت‌های ناشی از تصادفات تنها به جان انسان‌ها محدود نمی‌شود؛ برآوردها نشان می‌دهد این حوادث معادل ۶ تا ۷ درصد تولید ناخالص داخلی کشور و تا ۱۷ درصد از بودجه سالانه را می‌بلند. با وجود تدوین اسناد بالادستی برای کاهش ۱۰ درصدی تصادفات و مشارکت ۸ دستگاه در طرح‌های ایمنی عملاً تغییر ملموسی در روند تلفات مشاهده نمی‌شود. در غیاب نهادهای نظارتی پاسخ‌گو و ضعف در نوسازی ناوگان، هر تصادف تنها تبدیل به تیت‌ر رسانه‌ها می‌شود و سپس به فراموشی سپرده می‌شود؛ تا سانحه بعدی، تا مرگ بعدی و تا خون‌ریزی دیگری در جاده‌ای دیگر.

تأمین‌کنندگان (ایرلاین‌ها و هتل‌ها) دریافت نکرده‌اند بنابراین نتوانسته‌اند به مسافران بپردازند. این وضعیت سردرگم‌کننده موجب نارضایتی شدید مردم شده است. رفیعی می‌گوید «هیچ‌کس حاضر نیست، مسئولیت این وضعیت را بپذیرد» و هر کدام به نوعی شانه خالی می‌کنند. وی از مسئولان درخواست کرده برای حل فوری این مشکل ورود کنند تا حقوق مردم پایمال نشود.

ضرر به سخت به گردشگری

علاوه بر خسارات مالی مستقیم، جنگ کوتاه‌مدت ۱۲ روزه برنامه‌ریزی‌های صنعت گردشگری را کاملاً مختل کرد. فصل تابستان که به طور سنتی اوج سفرهای داخلی و خارجی ایرانیان است تحت‌الشعاع درگیری قرار گرفت و بسیاری از سفرهای برنامه‌ریزی شده، لغو شد. رفیعی با ابراز تأسف از این وضعیت می‌گوید، تمام زحمات و برنامه‌ریزی ۳ ماهه دفاتر برای تورهای تابستانی بر باد رفت و فرصت طلایی گردشگری تابستان عملاً از دست شد.

دیگر مشاغل مانند هتل‌ها، رستوران‌ها، راهنمایان تور و فروشگاه‌های صنایع دستی نیز متحمل زیان شدند. کاهش گردشگران ورودی و خروجی به معنای کاهش شدید درآمد ارزی بخش گردشگری و هواپیمایی است. حتی با بازشدن مجدد فضای هوایی، بازگشت اعتماد مسافران زمان‌بر خواهد بود و بسیاری ممکن است، برنامه سفرهای خود را به تعویق بیندازند. در این میان شرکت‌های هواپیمایی نیز با مشکلات مالی دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ آنها علاوه بر از دست دادن درآمد پروازهای لغو شده، مجبور به بازپرداخت انبوه وجوه بلیت‌ها از منابع مالی خود شده‌اند که فشار مضاعفی بر نقدینگی و سرمایه در گردش‌شان وارد کرده است.

رئیس انجمن دفاتر خدمات مسافرتی نسبت به تداوم این وضعیت هشدار داده است. به گفته رفیعی، اگر فکری به حال جبران خسارات نشود و روند فعلی ادامه یابد، زیان ۲ هزار میلیارد تومانی واردشده ممکن است به ۴ هزار میلیارد تومان و حتی ۱۰ هزار میلیارد تومان افزایش یابد. وی خواستار تشکیل کمیته فوری رسیدگی به حقوق مردم در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شده است تا موضوع استرداد پول مردم و حمایت از دفاتر مسافرتی را با جدیت پیگیری کند. چنین کمیته‌ای می‌تواند با حضور نمایندگان سازمان هواپیمایی کشوری، شرکت‌های هواپیمایی، آژانس‌ها و نهادهای نظارتی، راهکاری برای تسریع در بازگرداندن وجوه مردم بیابد و مسئولیت هر بخش را شفاف کند.

